هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ دهم ۹ جوزا ۱۳۸۸-۵جمادالثانی ۱٤۳۰ - 30 May 2009

یادی از شهدای هشت جوزای نهضت اسلامی افغانستان

ص۵



داکتر عبدالله در گفتگو با تلویزیون طلوع:

من برای تغییروضعیت و امید وارساختن مردم به آینده خود را نامزد نموده ام

***

عمده ترین رقیب انتخاباتی من رئیس جمهور فعلی است

***

تمام دست آوردهای هفت سال گذشته اکنون در معرض نابودی قرار دارد

ص۲

اجلاس سه جانبه درتهران

ص۳

حمایت مردم کل دره از داکتر عبدالله

صد ها تن از مردم گل دره، امروز در یک گرد هم آیی بزرگ، در هوتل گل زاد کابل حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله اعلام کردند.

آقای قرضی یکی از مسوولان این گرد هم آیی، دلیل حمایت شان از داکترعبدالله را در شایستگی وی برای مقام ریاست جمهوری، آگاهی از درد مردم و تغییر در زندگی عنوان کرد.

سلیمان غفوری؛ یکی دیگر از مسوولان این گرد هم آیی، انکشاف متوازن، ایجاد زمینه اشتغال، امنیت و بازسازی را خواست های اولیه خود از دولت آینده برشمرد. وی از دولت فعلی به حیث ناکار آمد ترین حکومت در جهان یاد کرد و گفت: دیگر مردم نمی پذیرند که پنج سال دیگر در این چنین شرایط سخت زندگی کنند.

کمیسیون اجرائی ملی

همان شاه غیرمسؤول، هدایت فرما و نافذ الامر

این رئیس کمیسیون اجرائی که درنقش عضو کابینه و برخوردار از امیتاز آن کار می کند، چرا به سان سایراعضای کابینه از شوری رأی اعتماد نگیرد و در برابر آن مسؤولیت نداشته باشد؟

ص۶



دپاکستاني پوځ لخوا له سوات وروسته په جنوبي وزیرستان دجګړې پیل

شفیق

په داسې حال کې چې دپاکستان دامنیتي خواکونو لخوا په سوات کې دطالبانو او دولت مخالفو اورپکو پر خلاف رواني جګړې دسیمې طالبان ډزبندی، او دجګړې بندولوته اړکړي دي او دسیمې د طالبان مشر مولوي فضل الله د"پیوچار" په قومز سیمه کې محاصره دی او جګړه اوس د مینګورې ښاردننه په کوڅو او سرکونو کې روانه ده، پاکستاني چارواکي او پوځي مشران له یوولس سوؤڅخه زیاتو مخالفینو د وژلو ادعا کوي او د دغې جګړه په نتیجه کې له سیمې څخه د بیځایه شوو شمیره له دوه میلیونو څخه پورته شوې! نښ یي چې دامریکې دباندنیو چارو وزیر"میرمن کلنټن" لخوا دیوسل اولس میلیونو عاجلې مرستې له اعلان وروسته دملګرو ملتونو اداري هم د پنځه سوه شپږ څلویښت میلیونو ډالرو دمرستې غوښتنه کړیده او دبشرحقونو سازمانونه

پاتي په ۶ مخ کې

حمایت نهاد های آموزشی- فرهنگی حزب اقتدار ملی از داکتر عبدالله

(۴جوزا) نهادهای حزب اقتدار ملی در یک گرد هم آیی بیش از دوهزار نفر در بزرگداشت از روز معلم، حمایت شان را از دکتر عبدالله اعلام داشتند.

در آغاز برنامه، یکی از مسوولان این نهادها، بیانیه ی نهادهای حزب اقتدار ملی در خصوص روز معلم و حمایت از داکتر عبدالله خواند. احمد ولی مسعود؛ در سخنرانی خود، به وضع نا به سامان معارف و معلمان پرداخته، گفت: هشت سال گذشته طوری که دولت در سایر کارهای خود ناموفق بوده؛ در قسمت معارف هم هیچ کاری نتوانسته است. وی افزود: دولت ادعا دارد که بیش ازهفت ملیون نفر را در مکاتب دارد؛ اما اگر از نگاه کیفیت بررسی شود، هیچ گونه توجهی را در رابطه به سیستم و امکانات درسی، بالا بردن ظرفیت معلمان و معاش شان نکرده و از سوی دیگر اشتباه های فاحشی که درچاپ کتاب ها صورت گرفته هیچ قابل توجیه نمی باشد، با انکه ملیون ها دالر در چاپ آن به مصرف رسیده است.

وی از عدم ظرفیت وزیران معارف درچند سال گذشته، به عنوان یک چالش عمده یاد نموده گفت: درهفت سال گذشته چندین وزیر تغیر و تبدیل شده که هیچ یک از آنان مسلکی نبوده و همواره کسانی در راس وزارت آمده اند که یا وابسته به یک حزب و جریان بوده یا بر اساس کدام روابط دیگر در این پست گماشته شده اند.

وی اضافه نمود: پس چگونه به یک چنین حکومت رای دهیم که هم چنان جامعه را به سوی تاریکی ها می برد؟

وی از مردم خواست که در تعین سرنوشت شان حساس بوده و بار دیگر فریب وعده ها را نخورند.

فاضل دره صوفی؛ عضو شورای رهبری حزب اقتدار ملی یکی ازسخنرانان این مجلس، ضمن آنکه راجع به ارزش معلم صحبت نموده و ناکارآمدی های حکومت را یکی از ضعف های بزرگ خواند، بی توجهی دولت را در قسمت عاملان قتل شهید کاظمی به عنوان یک خیانت بزرگ یاد کرد.

دره صوفی رای به حکومت فعلی را را ی به هفت سال جنایت خواند.

ادامه درص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

عمده ترین موانع شفافیت انتخابات

نگرانی های زیادی وجود دارد که انتخابات ریاست جمهوری با شفافیت برگزارنگردد. این نگرانی ازآنجا ناشی می شودکه دومقام وارگانی که عمده ترین نقش را دربرگزاری انتخابات دارند، یعنی ریاست جمهوری وکمیسیون انتخابات، نتواسته اند ثابت کنند که بی طرف عمل نموده وشفافیت انتخابات را تضمین می نمایند.

طبق گزارش برخی از رسانه ها واظهارات نامزدان نخستین ریاست جمهوری که توسط حکومت و اداره تحت کنترل آقای کرزی برگزار شد تقلب کاری گسترده صورت گرفت که درنتیجه آن قدرت همچنان دردست کرزی باقی ماند.

اکنون که درآستانهٔ دومین انتخابات ریاست جمهوری قرارگرفته ایم،بازهم قدرت دردست حامد کرزی است وبازهم او نامزد انتخابات.

اما اکنون وضعیت پیچیدگی خاصی یافته است، طبق ماده ٦١ قانون اساسی، مدت ریاست جمهوری آقای کرزی دراول جوزا پایان یافت، اما وی به بهانه تأخیرانتخابات، که یگانه عامل آن ضعف حکومت می باشد، به شکل غیرقانونی قدرت را دردست خویش نگهداشته است تا بتواند با استفاده ازقدرت دولت زمینهٔ انتخاب مجدد خویش را فراهم سازد.

دومین ارگانی که نقش تعیین کننده درانتخابات دارد کمیسیون انتخابات است، این کمیسیون که ظاهراً مستقل خوانده می شود، نتوانسته است خود را به عنوان یک ارگان مستقل معرفی نماید.

دلیل عمده وابستگی این کمیسیون آن است که، تمام مسوولان ومدیران آن ازمیان طرفداران نزدیک رئیس جمهورتعیین شده و با هیچ ارگان مستقل دیگرمانند شورای ملی درمورد گزینش آنان مشوره صورت نگرفته است.

داکترعبدالله یکی ازنامزدان ریاست جمهوری درمصاحبه با تلویزیون طلوع که هفته گذشته به نشررسید، کمیسیون را دارای ضعف های آشکاری خواند، وی ازنبود اهلیت وکفایت دراین کمیسیون یا د کرد وافزود، کمیسیون چندین میلیون کارت اضافی توزیع نموده ودرنتیجهٔ ضعفهای که داشته نتوانست انتخابات را درزمان معین آن برگزارنماید، وی اظهارتردیدکرد که این کمیسیون بتواند با شفافیت انتخابات را برگزارنماید.

زمینه سازچنین ضعف ها وموانع برای شفافیت وسلامت انتخابات، قانون اساسی وبرخی دیگرازقوانین افغانستان است که میکانیزم های قابل اطمینانی را برای سالم بودن قدرت وشفافیت انتخابات به میان نیاورده، بلکه این قانون باسپردن همه قدرت به رئیس جمهوروازمیان بردن امکان نظارت، زمینه استفاده نا محدود ازقدرت را مساعد ساخته است، که نتیجه آن جزفساد وتضعیف قانون گرایی درکشور و ضعف حکومت چیزی دیگری نبوده است.

داکتر عبدالله در گفتگو با تلویزیون طلوع:

من برای تغییروضعیت و امید وارساختن مردم به آینده خود را نامزد نموده ام

تلویزیون طلوع شب سه شنبه هفته گذشته گفتگوی با داکتر عبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری را پخش نمود.

گرداننده برنامه سوالاتی گوناگونی را پیرامون انتخابات آینده ریاست جمهوری با داکتر عبدالله مطرح نمود.

خبرنگارمجاهداز این گفتگو گزارشی تهیه نموده است که دراین شماره به نشر می رسد.

داکترعبدالله درمورد انگیزه نامزدی خویش برای پست ریاست جمهوری وشرکت درانتخابات گفت درشرایط موجود همه چیز روبه ویرانی میرود ومردم نا امید شده اند،من برای تغییروضعیت وامید وارساختن مردم به آینده خودرا نازمزد نموده ام وبرای نجات کشورتلاش کنم.

داکترعبدالله توضیح دادکه مردم افغانستان علاقمند تغییراند، قبل ازاین که وضعیت بیشتروخیم شود ویأس ونا امیدی همه جارا فراگیرد باید این تغییر به میان بیاید.

دراین مصاحبه داکترعبدالله حامد کرزی را رقیب جدی خود خواند وتوضیح داد که اگرچه حامد کرزی حمایت مردم را ازدست داده است، اما به علت آن که فعلاً قدرت را در دست دارد ومی تواند ازامکانات دولت درانتخابات استفاده کند، همچنان که تاهنوز ازاین امکانات استفاده کرده است اورا عمده ترین رقیب خویش می دانم. داکترعبدالله اظهارامیدواری کردکه درصورت شفافیت درانتخابات اوبرنده قطعی خواهد بود.

وی درجواب گرداننده برنامه که حامد کرزی چه نوع استفاده ازقدرت می کند اشاره کرد که حامد کرزی ازامکانات پولی ورسانه های دولتی استفاده می کند.همچنان وی که به وسیله مقرری افراد درپست های مهم دولت می خواهد وفاداری برخی هارا بدست بیاورد ویاهواداران خویش را درمقامات کلیدی تعیین نماید.

داکترعبدالله تمدید ریاست جمهوری کرزی را غیرقانونی خوانده افزود که مشروعیت ادامه کارآقای کرزی ازلحاظ قانون اساسی افغانستان قابل توجیه نیست.

داکترعبدالله کمیسیون انتخابات را مورد انتقاد قرارداد واضافه کرد که این کمیسیون ازدولحاظ دچارضعف است، یکی این که تاهنوزدراجراآت شفافیت دیده نشده است وسوال های زیادی درزمینه وجود دارد. و دیگر این که کمیسیون فاقد توانمندی وکفایت کاری است. وی دراین مورد ازتوزیع چند میلیون کارت اضافی انتخابات وهمچنان عدم برگزاری انتخابات درزمان تعیین شده آن درقانون اساسی یاد آوری نمود.

داکترعبدالله با تأیید احتمال تقلب درانتخابات، درجلوگیری ازتقلب وبرگزاری شفاف انتخابات را نقش مردم مخصوصاً نامزدان را برجسته خواند، وی همچنان برمسوولیت جامعه بین المللی درشفافیت انتخابات تأکید کرد.

وی افزود که تمام تلاشهای خود را برای جلوگیری ازتقلب درانتخابات متمرکزخواهدساخت.



وی درجواب گرداننده برنامه که حامد کرزی چه نوع استفاده ازقدرت می کند اشاره کرد که حامد کرزی ازامکانات پولی ورسانه های دولتی استفاده می کند.همچنان وی که به وسیله مقرری افراد درپست های مهم دولت می خواهد وفاداری برخی هارا بدست بیاورد ویاهواداران خویش را درمقامات کلیدی تعیین نماید.

داکترعبدالله اضافه کرد اگرچنانچه درانتخابات تقلب واجراءات غیرقانونی صورت بگیرد ودرنتیجه آن اداره به میان بیاید که مورد حمایت مردم نباشد ومشروعیت خویش را ازآرای مردم نگرفته باشد، می تواند پیامد های ویرانگری برثبات وامنیت درکشوربه میان بیاورد.

وی یاد آوری کرد که هرکسی که به منافع افغانستان می اندیشد، باید برای تأمین شفافیت وعادلانه بودن انتخابات تلاش کند.داکترعبدالله درمورد کارنامه های حکومت آقای کرزی گفت که این حکومت فرصت های طلایی برای افغانستان را ازمیان برده است. وی اشاره کرد که پس ازاجلاس بن امید واری قوی درمیان مردم افغانستان برای آبادی کشوروپایان خشونت وجنگ ایجاد گردید وجامعه جهانی نیزتصمیم جدی به کمک افغانستان گرفته بود، این فرصت می توانست آینده روشن را برای مردم افغانستان به ارمغان بیاورد وبه بدبختی ودشواریهای سالهای جنگ پایان ببخشد، اما متأسفانه امروز این امید واری ازمیان رفته است وما دوباره به نقطه اول برگشته ایم. مسوولیت این ناکامی بزرگ بر دوش حکومت است.

داکترعبدالله دراین مصاحبه گفت، می پذیرد که کارهای درافغانستان صورت گرفته، اما امروز همه دست آوردها وموفقیت ها درمعرض نا بودی قرارگرفته است. به عنوان مثال اگرازرفتن چند میلیون کودک به مکتب صحبت می شود، باید به یاد بیاوریم که درظرف چند سال اخیربیش از۵۰۰ مکتب توسط مخالفین به آتش کشیده است، اگرادعای تأمین امنیت می شود، امروزمی بینم که درپایتخت هم امنیت وجود ندارد، اگرازموفقیت درعرصه سیاسی وحکومت صحبت می شود، باید بپذیریم که امروز فساد اداری درکشور بیداد می کند.

داکترعبدالله دراشاره به عوامل شکست، علت اصلی ناکامی ها را نبود یک حکومت سالم ونیرومند خواند، وی گفت، اگر حکومت به نیاز ها وخواست های مردم توجه می کرد، جای بر تأثیرگذاری دیگرعوامل نمی ماند وی افزود حکومتی که عامل دستگاه های آن بی امنیتی باشد، مردم چاره جزپناه بردن به مخالفان ندارند، وی گفت هزاران جنگجوی که درصفوف طالبان قرارگرفته اند با اهداف کلی دشمن موافق نیستند، بلکه به هدف نجات ازبیداد ادارات دولت به مخالفان پناه برده اند.

داکترعبدالله درپاسخ گرداننده طلوع که آیا براساس اصل شایسته سالاری معاونان خویش را برگزیده است گفت، بدون شک هدف اوانتخاب اشخاص تحصیل کرده وبا اهمیت بوده است، اما تأکید کرد که دراداره که پس ازپیروزی تشکیل خواهد داد، ترکیب قومی وجغرافیایی افغانستان را جداً درنظرخواهد گرفت. درعین زمان اصل سپردن کاربه اهل کار را رعایت خواهدکرد.

گرداننده تلویزیون طلوع گفت، آقای محقق دریک سخنرانی با اشاره به عدم رشد متوازن کشورخواهان ۲۰ درصد سهم درحکومت شده گفته است، هرکسی که این سهم را برایش بدهد ازوی حمایت می کند،وی پرسید آیا آقای محقق با شما چنین چیزی را مطرح کرده است؟ داکترعبدالله با تأیید عدم توازن دراجرایی برنامه های انکشافی گفت، با آقای محقق درمورد تعدیل قانون اساسی افغانستان و به میان آمدن نظام صدارتی و پارلمانی غیرمتمرکزساختن نظام، انتخابی شدن والی ها و شهرداری ها صحبت کردیم، ما دراین موارد توافق داریم. وی افزود تأمین مشارکت ملی وسهم گیری همه مردم هدف مهم وی است، وی اشاره کرد که توافقاتی دیگری تا هنوز صورت نگرفته است.

داکترعبدالله درمورد عدم حمایت مارشال فهیم ازوی درانتخابات گفت، ازچند سال بدین سو آقای مارشال فهیم اصرار داشتند که باید دربرابرآقای کرزی نامزدی وجود داشته باشد وازوی حمایت شود، وی دراین زمینه تلاش های زیادی انجام داد. آقای کرزی هم همیشه علیه آقای فهیم اتهاماتی را عنوان می کرد که امروزه آن اتهامات دررسانه ها انعکاس می یابد.اما ازدوسه ماه بدین سو، وضعیت میان آنها تغییر کرد وآقای مارشال تصمیم به حمایت ازآقای کرزی گرفت که فکرمی کنم که بهتر است علت آن را خودشان توضیح بدهند.

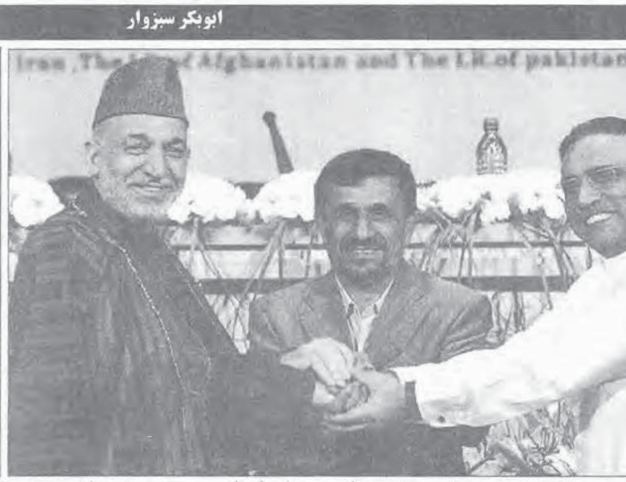
داکترعبدالله احتمال پذیرفتن همکاری دیگرکاندیداها را تأیید نموده، افزود، شماری ازنامزدان آماده تفاهم وحمایت ازوی هستند وبا شماری ازآنها نیز صحبت ها ی داشته وممکن است چنین همکاری صورت گیرد.

داکترعبدالله دربرابراین سوال که آیا نامزد مستقل است ویا نامزد جبهه ملی؟ تصریح کرد که نامزد مستقل بوده وحمایت جبهه ملی را با خود دارد. داکترعبدالله درمورد منابع پولی مبارزات انتخاباتی خویش گفت، امید واری وی دراین زمینه به حمایت مالی مردم وطرفدارانش می باشد.

اجلاس سه جانبه در تهران

ابوبکر سبزوار

اداره، بوش در ابتدا اصلا توجهی به نقش همسایه های افغانستان و عراق و کشور های منطقه در جهت حل این معضلات نداشت اما در استراتژی اوباما در مبارزه علیه تروریسم به نقش کشور های همسایهء افغانستان در تامین امنیت وصلح توجه صورت گرفت. بخصوص با بدترشدن وضع در پاکستان و ناامنی در مسیر تدارکاتی نیروهای خارجی از این طریق، امریکا و ناتو در صدد برآمدند تا راه جایگزین برای مسیر قبلی بیابند. در این مرحله ایران مورد توجه بیشتر قرار گرفت.



اجـلاس روسـای جمهـور ایـران افغانستان و پاکستان در تهران در ظاهر امر هرچنـد مـی توانـد قـدم دیگـری در جهـت همکاریهـای منطقـوی بـشمار آیـد امـا ایـن نشـست از ابعـاد دیگـری نیـز درخـور توجـه و دقت است.

ایران کشوری است بـا ثبات کـه بـا دو کشور درگیر بحران در این منطقـه همسرحد است. افغانستان و پاکستان روابـط نزدیـک بـا ایالات متحدهء امریکـا دارنـد و نیروهـای نـاتو در افغانستان بنـام مبـارزه علیـه تروریـسم مـستقر گردیـده و تـاثیرات منفـی آن روی اوضاع منطقـه بـصورت کلـی محـسوس اسـت. این در حالیسـت کـه ایـران در طـول سـه دهـه که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایـن کـشور می گـذرد روابـط پرتنشی بـا امریکـا را تجربـه کرده است.

در دوران ادارهء بـوش کـه امریکـا هـر نوع مذاکره بـا ایـران را بخـاطر برنامـهء اتـومی ایـن کـشور و حمـایتش از حـزب الله و حمـاس ممنـوع سـاخته بـود، امکـان چنـین نشـستی ممکـن نـشد. بنـابراین مـی تـوان گفـت کـه اکنون نیـز ایـن نشـست ممکـن نمـی شـد اگـر خواسـت امریکـا چنـین نمـی بـود. بـه همـین دلیـل حامـد کـرزی از اینکـه چنـین نشـستی مدتها قبل ممکن نشد ابراز تاسف کرد.

ایـران در دوران حاکمیـت طالبـان بـر بخـش وسـیعی از افغانـستان از جملـه منـاطق همـسرحد بـا خـودش بـا ایـن گـروه روابـط نزدیـک نداشـت. ایـران طالبـان را همپیمـان گـروه هـای وهـابی مـی دانـست کـه مـی توانست بـرای ایـران موجـب دردسـر باشـد. بـه همین دلیل بـود کـه جنـاح هـای درگیـر جنـگ بـا طالبـان از کمـک هـای ایـران برخـوردار بودند.

در پـی واقعـهء یـازدهم سـپتامبر و سرنگونی امارت طالبان، ایـران هـر چنـد از شـر یـک رژیـم مـشکل آفـرین در سـرحد شـرقی خـودش راحـت شـد امـا مـستقر شـدن قـوای امریکـائی در کـشور همـسرحد بـا ایـران بـرای این کشور موجـب نگرانـی بـود. بخـصوص کـه ادارهء قـصر سـفید برهبـری بـوش دربرابـر برنامهء اتومی ایـران سیاسـت فـشار و تهدیـد را بکار گرفته بود.

سـرنگونی رژیـم صـدام در عـراق واقعـهء خوش آیند دیگری بـرای ایـران بـود امـا بـازهم حـضور نیروهـای خـارجی در عـراق مـی توانست فشار مضاعف بـر ایـران وارد سـازد امـا جنـگ در افغانـستان وعـراق و ناکـامی هـای امریکـا در ایـن دو کـشور، هیبـت امریکـا ونـاتو را از میان برد. مشخص بـود کـه امریکـا هرگـز توان درگیر شدن در یک جنـگ دیگـر آنهـم بـا ایران را ندارد.

ادارهء بـوش در ابتـدا اصـلا تـوجهی بـه نقـش همـسایه هـای افغانـستان و عـراق و کـشور هـای منطقـه در جهـت حـل ایـن معـضلات نداشـت امـا در اسـتراتژی اوبامـا در مبـارزه علیـه تروریـسم بـه نقـش کـشور هـای همـسایهء افغانـستان در تـامین امنیـت وصـلح توجـه صـورت گرفـت. بخـصوص بـا بدترشـدن وضـع در پاکـستان و نـاامنی در مـسیر تـدارکاتی نیروهـای خـارجی از ایـن طریـق، امریکـا و نـاتو در صـدد برآمدنـد تـا راه جـایگزین بـرای مـسیر قبلـی بیابنـد. در ایـن مرحله ایران مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

ایـران در طـول سـه دهـه روابـط دیپلوماتیک بـا امریکـا نداشـته و در ایـن مـدت سـایهء تعزیـرات اقتـصادی امریکـا و غـرب بصورت مداوم بـر ایـران مستولی بـوده اسـت. ایـران توانـست از ایـن محـدودیت هـای تحمیلـی در جهـت رشـد اقتـصادی و خـود کفـائی بهـره ببـرد و اهـداف امریکـا را مجـال عملـی شـدن ندهـد امـا در تمـام ایـن مـدت امریکـا تـلاش نمـود تـا ایـران در جهـان در انـزوای سیاسـی قـرار گیـرد. اکنـون ایـران بـا اعتماد به نفس بیشتر و بـی اعتنـا بـه تهدیـدات امریکا در جهت رشـد برنامـهء هـستوی خـویش می کوشد.

چنـدروز قبـل ایـران بـا آزمـایش موشـک دوربـرد (سـجیل ۲) توانـائی خـویش در تکنالوژی مدرن نظـامی را بـه نمـایش گذاشـت که با عکس العمل منفـی امریکـا مواجـه شـد و چنـدروز بعـد از آن احمـدی نـژاد مهمانـدار روسای جمهـور افغانـستان و پاکـستان بـود کـه هردو با امریکا رابطـهء نزدیـک دارنـد و درعـین حال هردو کشور درگیر بحران و جنگ اند.

رئـیس جمهـور ایـران در ایـن نشـست سه جانبه گفت: بـا توجـه بـه مـشکلات موجـود در منطقـه و ظهـور افـراط گرایـی و نظـامی گرایـی، اگـر بـا توجـه بـه فرهنـگ و تناسـبات موجود سه کـشور چـاره ای بـرای حـل مـشکل نیاندیشیم، آیندگان ما را نمی بخشند.

احمـدی نـژاد در بخـش دیگـری از سـخنان خـویش بـا اشـاره بـه لـزوم همکـاری هـای منطقـوی گفـت کـه ایـران همیـشه از اتکای سه جانبـهء پاکـستان، افغانـستان وایـران بـرای حـل مـشکلات اسـتقبال کـرده و معتقـد است کـه رویکـرد جدیـد همکـاری هـای سـه جانبـه موجـب تقویـت وحـدت و امنیـت خواهـد شد. ملت های منطقـه بایـد روابطـی برادرانـه و سـازنده بـاهم داشـته باشـند. رئـیس جمهـور ایران افراط گرائی، قاچـاق مـواد مخـدر، قاچـاق انسان و جـرایم سـازمان یافتـه را چـالش هـای مهمـی خوانـد کـه امنیـت ملـی کـشور هـای منطقـه را تهدیـد مـی کنـد بـا همکـاری هـای مشترک می توان برآن غلبه کرد.

آصـف علـی زرداری رئـیس جمهـور پاکـستان در ایـن نشـست گفـت کـه بـا وجـود اینکـه مـن سـخت مـشغول مـشکلات داخلـی بودم اما بـه ایـن سـفر آمـدم. زرداری گفـت مـا بـا چالـشهای بزرگـی از جملـه همـسایگی بـا ابرقدرتها مواجه هستیم.

زرداری بوضـوح مـشکلات منطقـه را بـا حـضور امریکـا در منطقـه در رابطـه دانـست و به صراحت گفت کـه مـا بـا چالـشهائی مواجـه هـستیم از جملـه اینکـه اجـازه داده ایـم تـا ابرقـدرتها همـسایهء مـا شـوند. زرداری در سـخنان خـود بـه ایـن نکتـه تاکیـد کـرد کـه مـاهرگز خواهـان جنـگ نبـوده ایـم و خواسـتار همـسایگی بهتـر هـستیم. زرداری در ایـن سخن بوضـوح بـه اتهامـاتی پاسـخ مـی داد کـه از جانـب افغانـستان در مـورد مراکـز اصـلی تروریسم عنوان شده بود.

حامـد کـرزی در ایـن نشـست از آمـادگی افغانـستان بـرای همکـاری بـا کـشور هـای منطقه در جهت مبارزه بـا افـراط گرائـی و مـواد مخدر سخن گفت.

بـه نظـر مـی رسـد کـه ایـران در ایـن نشـست قـصد داشـت تـا بـه دو همـسایه اش بفهماند که بـدون اتکـا بـه غـرب مـی تـوان از راه همکـاری میـان خـود بـر حالـت نابـسامان موجود غلبـه کـرد. امریکـا از حـل ایـن مـشکل عاجز است و نبایـد بـه حـل مـشکلات از ایـن طریق امیدوار بود.

اجلاس تهران بـدون تردیـد نقـش ایـران را بعنـوان یـک بـازیگر مهـم در ایـن منطقـه برجـسته تـر سـاخت و از اینکـه دو کـشور نزدیـک بـا امریکـا، ایـران را بعنـوان کـشوری کـه مـی توانـد در حـل مـشکل منطقـه نقـش مهم ایفـا نمایـد شـناختند نـشان مـی دهـد کـه بهـرهء سیاسـی ایـران از ایـن نشـست قابـل توجـه بـوده اسـت. ایـن نشـست مـی توانـد موجب تقویت گرایـشی در کابـل و اسـلام آبـاد گردد که در انتخـاب دوسـت و دشـمن بایـد بـه منافع ملی و منطقه بیشتر توجه کرد.

انتخابات ریاست جمهوری

هان که زمان نیست توقف پذیر

فقیری

مـان بـه سـرعت مـی گـذرد وتوقف نمی پذیرد. مـا فرصـت هـای زیـادی را از دسـت داده ایـم و هربـار دیرجنبیده ایـم! چـرا نمـی تـوانیم در اولـین روزهـا و بـا سـرعت- بـا در نظـر داشـت واقعیـت هـا و مـصلحت هـا- بـه سـرعت تـصمیم بگیـریم و مردم را در انتظار قرار ندهیم؟

چـرا درگذشـته هـا خیلـی دیـر تصمیم گرفته ایـم و آنهـم عجولانـه و شتابان؟!

آمـادگی هـا بـرای مبـارزات انتخاباتی ریاسـت جمهـوری از مـدت هـا قبـل آغـاز یافتـه ودرمرکـز و ولایـات، کارهـا بـه شـدت جریـان دارد.

مـردم مـا بـه دلیـل پیونـد گسـست ناپـذیر انتخابـات بـا سرنوشـت شـان، بـه ایـن امرعلاقـه دارنـد و بـی صـبرانه منتظـر روشـن شـدن رأی و موقـف واضـح، جـدی و فعال برخی از بزرگان می باشند.

مـا چنـد شخـصیت ممتـاز و برازنـده داریـم و از نقـش مهـم آنـان در دوران جهانـد و مقاومـت نمـی تـوانیم چـشم پوشـی کنـیم ورأی و تـصمیم آنـان بـرای مـا بـسیار مهـم است ولـی بـا ایـن همـه، زمـان بـه سـرعت مـی گـذرد و مـردم نمـی تواننـد بیـشتر از ایـن منتظربماننـد و بـا دسـتور و یـا بـدون دسـتورمقامات رهبـری محلـی بـرای کمپـاین انتخابـات سرنوشـت سـاز ریاسـت جمهوری، آمادگی می گیرند.

مـردم علاقـه واشـتیاق دارنـد تا فعالانـه در ایـن امـر مهـم ملـی از آغاز تا پایان سهم بگیرند.

مردم انتظـار دارنـد تـا بزرگـان ما با داشتن مواقـف واضـح، صـریح و روشن به آنـان هـدایت بدهنـد، آنـان را تشویق نماینـد و از کـار و فعالیـت آنـان حمایـت، تقـدیر و سپاسـگزاری کنند!

هرگـاه مـردم بـه کـار آغـاز کننـد- کـه کـرده انـد- و درجریـان کـار مـورد حمایـت برخـی از بزرگـان قـرار گیرنـد، کارشـان ادامـه خواهـد یافت اما بـا شـدت وقـوت بیـشتر. در ایـن صـورت، نقـش بزرگـان یـک نقـش دومـی و تاییـد کننـده و درنتیجه ضعیف خواهد بود!

هرگـاه کـار مـردم مـورد حمایـت قـرار نگیـرد، بـازهم کـار ادامـه خواهـد یافـت و ایـن واقعیـت، بیشتر از پیش ثابـت خواهـد شـد کـه برخی از بزرگـان دارای چنـان نقـشی در جامعه نمـی باشـند کـه خـود مـی پندارنـد و بـدین وسـیله از محبوبیـت آنـان کاسـته خواهـد شـد و نفـوذ و موثریـت، آنـان کمرنـگ بـه نظرخواهد رسید.

از مهر گستری دو دانای بلند پایه تا روابط سردسیاسی دو همسایه

قسمت پایانی

عبدالقیوم ملکزاد

قــصیده یــی کــه اســتاد خلیلــی بــدان مناسبت(بزرگداشت علامه اقبال) انشاد کرده بود «به پیشگاه علامه دکتر محمداقبال لاهوری" رح"» عنوان دارد.

سرودهٔ مذکور این گونه آغاز می یابد:

باد آبان آمد وآورد با خودمشک ناب
خوش بخند ای صبحدم خرم بتاب ای آفتاب
قاصد آمد نامهٔ لاهور دارد در بغل
نامه اینک نغمهٔ فردوس دارد در خطاب
نامهٔ شوق است باید برسرچشمش نهاد
قاصد یاراست از من بوسه خواهد بی حساب
شهر لاهور است شهر دوستان از باستان
دوستان را یاد کردن دور نبود از صواب
داستان غزنه ولاهور بس دلکش بود
ای حریف نکته دان از حرف حق ابرو متاب
این دوشهر سالخورد از خورد سالی بوده اند
چون دو حرف از یک عبارت چون دوباب از یک کتاب
قاصد آمد خواند برگوش دلم پیغام جان
عاشق لب تشنه را داد از نوید وصل آب
گفت آنجا انجمن برپا نموده اهل دل
انجمن یا انجم تابان زجمع شیخ وشاب
گفت بر بالین اقبال است روشن شمع فیض
ماه وانجم دور وی پروانه وش در پیچ وتاب
چون کشد منت زنور شمع بالین کسی؟
کز دل روشن بر آورده هزاران آفتاب

تــا اینجــا یــک بخـش قـصیده بـود، یـا قـسمتی از آغــازین آن کــه بــازگو کننــدهٔ عظمــت و شــکوه همـایش بزرگداشت مـی باشـد. همایـشی کـه سـزاوار شـان و مقـام علامه اقبال به حساب مـی رود(رحمـت خداونـد بـر روانـش باد)

اما ابیات بعـدی- کـه پـس از سـه سـتاره ادامـه مـی یابـد- شـکایتنامه ایـست از وضـع حـاکم در آن روزگـار، درپـرده شـدن لـیلای سـخن و در نقـاب شـدن شـاهدمعنی از اثـر سـیطره دهـشت، از پایمـال شـدن کعبـهٔ حـق بـه وسـیلهٔ قـشون دجـال و جـایگزینی زاغ در لانـه طـاووس و ....!

ایـن شـکایت نامـه شایـسته مـرور مکرراسـت و بـه حق یکی از شیوا ترین قصاید استاد به حساب می رود.

یقـین دارم آن روز سـامعین محفـل یـاد بودعلامـه از شنیدن هر بیت آن طرفه رقصی به پاکرده خواهند بود.

این کـه چـه شـوری و چـه وجـدی و چـه هیجـانی در آن همـایش ایجـاد شـده، در دفتـر ذهـن حاضـران محفـل در آن روزگار ثبت مـی باشـد هـر چنـد قـصاید بالـذات و حـاوی ابیاتی طویل می باشـد، بـا ایـن هـم هـر انـسان صـاحب ذوق مشتاقانه راغب می باشـد تـا بـا خوانـدن آنچـه بـا خامـه سـحر انگیز استاد خلیلـی انـشاد شـده، بـاغ وجـد و شـوق خـویش را آبیـاری کنـد و از شـمیم دلنـواز هربیـت دلکـشش مـشام خـویش را معطـر و بـر روان اسـتاد سـخن: علامـه اقبـال و سـراینده اثـر: خلیلـی اتحـاف دعـا بفرسـتند و جایگـاه شـان را فـردوس بـرین بخواهنـد. آری چنـین اسـت روح اشـعار شاگردان مکتب خـدا اسـتاد خلیلـی و سـخنور نـامور لاهـوری علامه اقبال (رح).

ایـن هـم شـما و ایـن هـم بقیـه قـصیده غـرا و شورانگیز خسرو ملک سخن، خلیلی رح:

درسیه عصری که شد در پرده لیلای سخن
شاهد معنی به رخ افکند از دهشت نقاب
کعبهٔ حق پایمال لشکر دجال شد
لانه طاووس دین شد جای پرواز غراب
درسیه عصری که استعمار شد در شرق وغرب
برهمه گردن فرازان جهان مالک رقاب
خاصه بر آزاد مردان دیار مصطفی
قافله سالار امی حامل ام الکتاب
شهسوران عجم را تیغ همت شد زکف
پاسداران حرم را چشم غیرت شد به خواب
روز میدان بود اما جنگ جویان خفته خوش
وقت جولان بود اما بال و پربسته عقاب
مغز های اهل فکر آشفته اندرجر وبحث
لفظ ها جای معانی قشرها جای لباب
بازماند از اوج مومن با پرو بال یقین
شد فرو آسیمه سر با پای شک در منجلاب
آن خدیوی بی خبراین ناخدای بی خدا
کرد از خون ستمکش جام عشرت پرشراب
سود خوار سنگدل زاشک یتیم بی گناه
بست خلخال نگار خویش را لعل مذاب
بیوهٔ فرزند مرده جان سپرد از فرط جوع
خواجه را خوناب اشکش زینت زین و رکاب
درسیه عصری که در اکلیل فرماندار هند
دانه های اشک می بارید چون دُر خوشاب

طوری که می بینـیم تـا ایـن قـسمت قـصیده، تـصویر روشـنی اسـت از وضـع حـاکم در گیتـی واگـر مـشخص تـر گفتـه آیـد، از حـالات جـاری در قلمـرو هندوسـتان، کـه در آن روزگار میدان تاخت و تاز استعمار بود.

در روزگـاری کـه بـه قـول اسـتاد خلیلـی، درفـش فرمانروای توانـای نیمـهٔ جهـان ملکـه ویکتوریـا بـر فـراز کـاخ هـای کـوه آسـای شـهریاران افغـان ومغـول سرتاسـرهند در اهتزاز بود.

بیـت زیـر مبـین سـخنی مـی باشـد کـه اشـارتی در سطور فوق از آن رفته است:

"بانوی گیتی" زنخوت داشت بر سرکوه نور
مهر را یکدم نبود از کشور حکمش غیاب

آری! در اثــر "یارآشــنا" نگاشــتهٔ شــاد روان اســتاد خلیلی، عبـارات زیبـایی جلـب توجـه مـی کنـد کـه همـراه بـا خواننـدهٔ عزیـز آن را مـرور مـی کنـیم، سـطوری کـه گـویی اسـتاد آن را بـه شـرح قـصیدهٔ غـرای مـورد بحـث بـه رشـته تحریر در آورده است:

"... بــانوی بریتانیــا، یعنــی مالــک مطلــق العنــان دریاهای مـواج و آرام، کـه کـشتی هـای نیرومنـدش آن هـا را مهار می کرد. تـوپ هـای قلعـه شـکنش کـوه هـا را بـه لـرزه می افگند، حـصار هـای تـاریخ را بـا بـرج وبـارویش بـه خـاک همـوار مـی کـرد، صـدای سـم اسـپ سـواران جنگـاورش در خاور وباختر جهان شنیده می شد.

امــا بــرای عــوام ســاده دل و مظلــوم از ثــروت سرشارکـشورخود شـان ظـواهر تمـدن جدیـد را آمـاده نمـوده بود، مـدنیت مدرسـه مـی گـشاد و مـسجد و مـزار تـرمیم مـی نمود، آثار باستانی را حفـظ مـی کـرد و کتبخانـه تاسـیس مـی نهـاد، شـفاخانه تعمیـر مـی کـرد راه آهـن مـی کـشید، نظـام اقتصادی را برای منفعـت خـود تـرمیم و زراعـت را ترقـی مـی داد. دیــن ومــذهب را آزاد گذاشــته بــود تــا از تــزاع هنــدو مـسلمان و اخـتلاف جزئـی تـشیع و تـسنن خـود نیـز بهـره برداری کند.

ملـت مظلـوم ومحـروم کـه چنـد قـرن متـوالی عفریت ظلم و استبداد حکـام را دیـده و لمـس کـرده بودنـد، کم کم به این ظواهر سودمند امیدوار بودند.

تـاریخ را نیـز مـی خواندنـد کـه حکمـداران گذشـته چه سـتم هـا بـر مـردم محکـوم وبیچـاره روا داشـته بودنـد. مثلا مردم را زنـده زنـده بیگنـاه زیرپـای فیـل مـی افگندنـد، پوست می کـشیدند و پوسـت آن را از کـاه انـدوده شـهر بـه شـهر مـی گرداندنـد. درهمـین هندوسـتان در یـک اشـتباه که چند تن از ملازمـان خـاص دربـار بـه بـازی خـود را شـاه و وزیـر نامیـده بودنـد، در یـک عـصر یـک روز بیـشتر از صدجوان را به پـای پیـل پـای مـال نمودنـد و در نمـاز شـام همان روز امام دربـار ناگـاه سـورهٔ مبارکـه "فیـل" را خوانـد، پادشاه پنداشـت امـام قـصداً ایـن سـوره را بـه سـرزنش وی خوانده، زیرا اوست کـه امـروز صـدجـوان بیگنـاه را زیرپـای فیل افگنده، فرمان داد فی المجلس امام را نیز کشتند."

اسـتاد درهمـین رسـاله بـه گـشودن صـفحه دیگـری از تاریخ قتل و کـشتار اقـدام مـی ورزد، تـاریخی کـه آن هـم یکـی دیگـری از رویـدادهای خـونین هندوسـتان را بـاز گـو می کند:

"مردم به یـاد داشـتند کـه چنـد سـال قبـل نادرشـاه افشار، هندوستان را فـتح نمـود و چـون مـردم دهلـی تـسلیم گردیدنـد، آن هـا را مـورد عفـو قـرار داد. امـا روز دیگـر بـه اشـتباه تیـری کـه بـه سـوی او در هـوا پرتـاب شـده بـود، امـرداد کـه شـهر را غـارت و مـردمش را قتـل عـام کردنـد. یکـی از وزرای کهنـسال و معـزول بـه شـفاعت برخاسـت واین بیت امیر خـسرو دهلـی را بـه شـاه عرضـه داشـت. رگ ادب پـروری شـاه بـه حرکـت افتـاد، پـس از قتـل عـام و ریختن خون هزاران بیگنـاه، شـفاعت وزیـر را بـه پـاس ایـن بیت زیبای امیرخسرو دهلوی پذیرفت:

"کسی نماند که دیگر به تیغ ناز کشی
مگر که زنده کنی خلق را و باز کشی"

با مشاهده همینگونـه احـوال واوضـاع اسـت کـه اسـتاد با زبان اقبال شکوه سـرمی دهـد. شکوه از کـم شـدن همـت وغیـرت مـسلمانان، شـکوه از درخـواب بـودن دیـده پاسـداران حرم...!

استاد در عین حـال بـه یـک سـوال عمـده نیـز پاسـخ ارایه داشته و آن اینکه: بـرای رفـع مـشکلات و نـا بـه سـامانی های جاری در کـشورها بایـست سـعی گـسترده بـه خـرچ داده شــود وبــرای تحقــق آرمــان هــای مــسلمانان از هــیچ نــوع تلاش فروگذاشـت نگـردد. مـشکلات و نـا بـه سـامانی هـایی که می تواند یـک مـرض جـدی درپیکـر نظـام، کـشورداری و دولــت ســازی تلقــی گــردد و آن بیمــاری همانــا وجــود اختلافات وکشمکش هـای تباهکن فـی مـابین خـود آن هـا است.چنانچه استاد می گفت:

اختلاف اهل قدرت کرد یکباره تباه
خرمن این را در آتش حاصل آن را درآب

وجــود چنــین امــراض مهلــک زمینــه را بــرای آن مساعد مـی سـازد تـا "راهـزن میـر شـب شـود وتـاراجگر، در مسند تاجداری تکیه زند". چنانچه گوید:

راهزن شد میرشب تاراجگر شد تاجور
خانهٔ خلق خدا از جور اینان شد خراب

درسـت درهمـین اوضـاع واحـوال درد انگیـز بـود یـا عصری کـه اسـتاد خلیلـی آن را در چنـدین بیـت"عـصرسیاه" تعبیر کـرده، نـوری در آسـمان امیـد تابیـد، نـوری کـه ظلمـت زدگان توانـستند از آن بهـره ورشـوند و جلـوهٔ صـبح خوشـی را شاهد باشند و آن نورهمانا تولد علامه اقبال بود.

شیندن شرح این داسـتان از زبـان خامـهٔ اسـتاد سـخن دلپذیرتراست و شیرین تر وروح انگیزتر:

درچنین عصر سیه تابید تاگه اختری
نورافشان از ورای ظلمت چندین حجاب
اختر(اقبال) مومن جلوه افزا شد زشرق
کزفروغش دیده ودل جاودان شد بهره یاب
برگرامی نامهٔ وی ثبت آثار عمر
برنگارین خاتم وی نقش نام بوتراب
نعره زد کای ملت افسرده تا کی خواب ناز
صبح شد برپای شودر دهر افکن انقلاب
گردن آزادگان را تیغ بهتر جای طوق
مرد حق را سرفرازی باشد از دار وطناب
درمسلمانی غلامی نیست فرمانش بدر!

درمسلمانی اسارت نیست زنجیرش بتاب
قفل رابشکن که فرمان خدا در دست تست
بند را بگسل که مومن را نباشد بند وباب
ای علمدار حرم راه کجا داری به پیش؟
زمزم این جا تشنه تا کی می روی جویای آب
چون تویی معمار فطرت خودجهان خویش ساز
از بهشت اجنبی الاجتناب الاجتناب

پــس از آنکــه ایــن فراخــوان وتــشویق وترغیــب و رهنمایی و دعوت به سـوی حـق بـه وسـیله اقبـال بـه گـوش مــردم رسـانیده شـد. جنبـشی پدیـد آمـد، روح بیـداری در رگ ها دوید و به فرمودهٔ سردار جلو تاز و بلند آواز سخن:

از شکوه نعرهٔ وی چاک شد جیب سحر
هم جرس جنبید و هم موکب روان شد با شتاب
نعره ای توفنده طوفانی که لرزاند زمین
نعره یی برق جهانسوزی که بشکافد سحاب
واعظ از میدان مسلمان را به خلوت داد راه
رندما بردش به میدان باز چون عهد شباب
گفت مومن را بود در راه حق فخر از جهاد
داغ خون در سینه اش بهتر بود از لعل ناب

ابیات زیرین خطـاب بـه علامـه اقبـال لاهـوری اسـت تا او باز دیده بر گـشاید وازتـاثیر نگـاه نافـذش دیـو عـصرپا بـه فرار نهد و...: توجه کنیم:

ای مجددا! ای ز تو آرایش کاخ کهن
ای معلم! ای زتو روشن چراغ جدو باب
ای بلال قرن ما خاموش گردیدی چرا
لب کشا یک دم که جان آمد به لب از اضطراب
بانگ "الاالله" برکش تا بلرزد کاخ ها
روی این فرش رمادی زیراین نیلی قباب
ای خلیل حق نوایی کش که از تاثیر آن
جان بتگر سوزد از غم پیکروی از عذاب
حرف زن! تعلیم ده! تدبیر کن ! تکبیر گو
ای جبینت صبح امت صبح شد یکدم بتاب
دیده بگشا تا ز تاثیر نگاه نافذت
دیو عصر ما گریزد همچو شیطان از شهاب
برده را شور جنون آموز کزفریاد وی
خواجه را چتر مرصع پوچ گردد چون حباب
عشق را بار دیگر افروز در قندیل دل
تا نماید رهرو ما را حقیقت از سراب
نوجوان عصر را آموز اسرار خودی
تا شناسد جام از جم تیغ از افراسیاب

...وابنجنین بود نظاره رویش جوانه های حماسه درآن روزگار:

جرقه یی "ازشراردرد تاخشم ایمان"

به قلم م-ع

درایــن بخــش نوشــته، تــأملی میکنیم بـه سـروده هـای یکـی ازشـعرای شـناخته شـده وموفـق کـشورکه اشـعارش نمایـانگربرخوردداری وی ازتمـام قابلیـت های ادبی می باشـدشـاعری کـه جایگـاه او همــواره بــه عنــوان ســخنورقوی ، برجسته بوده است.

ایـن شـاعرارجمند وصـاحب سـوز ودرد وفـضلیت-کـه بـدون تردیـد درتمـام آفریـده هـای شـعری اش شورواحـساس وشــور و هیجــان بــه روان خوانندگــان برمــی انگیــزد- **الحــاج عبدالاحــد تارشی** است.

یکـی ازمجموعـه هـای شـعری وی کـه درمحـیط هجـرت بـه چـاپ رسیده،"ازشراردرد تـا خـشم ایمـان" نـام دارد کـه دربـاب آن یکـی ازپژوهـشگران ونویـسندگان کـشور(محمـد معـروف فروغگـر) داوری منـصفانه یـی کـرده کـه مناسب دیـده مـی شـودبـه گونـه چکیـده گوشه یی ازایـن "ارادتنامـه"دراینجـا نقـل مـی گـردد: " اشعاربرادرتارشـی ازلحـاظ مـضمون وپیـام وصـنعت هـای زیبـای ادبــی دررســتاخیزملت مــؤمن مــا وسـایرجهان اسـلام چنـان حلـول نمـوده است که تخیـل خـشک وحرافـی محـض بنـام شـعرهیچگاه بـه پایـه تخیـل وعکـسبرداری هـای دقیـق وملـو ازاحساس آن رسیده نمی توانـد ایـن جـا درد اسـت، احـساس اسـت، تعهـد اسـت، ایمان اسـت. بالنـدگی اسـت وشوراسـت و جـاودانگی کـه منزلزدگـان گـم درظلمـت گمراهــی را، بــه ســوی کرانــه هــای بحرنور، هـدایت مـی کنـد، وآنجـا کـه بـه جز بازتـاب یـک صـنم وچنـد بوسـه گـرم وخفتهای اخلاقـی وخیانـت وگنـاهی بنـام شـهکارچیز دیگـری یافـت نمـی شـود." ببین تفاوت ره ازکجاست تا به کجا؟!"

بــااین مقدمــه کوتــاه وارد اصــل موضوع می گردیم تـا ببینـیم کـه طبیعـت شاعرشــورانگیزما را چــه چیزآتــشین ساخته وقلـب وجگـراورا خـونین وچـشمان اورا نمــین وگفتــاراورا مــذاب وســیال وآتشگونه...!

بحــث کنــونی مــارا کودتــای منحـوس ثـور۵۷ تـشکیل میدهـد بـدون هیچگونه تردید عامـل همـه بدبختـی هـا ومــصائب جانکــاهی کــه ملــت مظلــوم ومــسلمان کــشوربا گوشــت وپوســت واستخوان خـود لمـس مـی کننـد،کودتای ۷ثـور۱۳۵۷ اسـت.آری درهمـین روزاسـت کــه کتــاب سرنوشــت غمباروزنــدگی خونبـارمردم بـا خـط درشـت رقـم مـی خــورد وهرصــفحه آن حــاوی داســتانی مــی شـود ازکـشتاربیرحمانه، قتـل عـام بیگناهــان، حــبس وتعــرض بــه نــوامیس ومعتقدات مـردم وصـدها بـدبختی وبـلای دیگرکه قلـم ازشـرح آن احـساس خجلـت می کند.

کودتـایی کـه بـه گفتـه سـخنور درد منــد عبدالاحــد تارشــی درپهلــوی شوم وبـدفرجامی روح مرگـی بـود درتـن گرگــان ســرخ"خلــق" کــه بــه ســان اژدهــای تـشنه، بـه خـون دل انـسانهای مظلــوم، ازدوزخــی خــونین ســربدرآورد وعامل تباهی بشرشد.

ادامه درص۶

به مناسبت سالگرد کشتار اعضای زندانی نهضت اسلامی توسط رژیم مزدور

یادی از شهدای هشت جوزای نهضت اسلامی افغانستان

وحید مژده

کودتای داود برای نهضت اسلامی افغانستان سرآغاز مصیبت های بزرگ بود. این کودتا که به کمک گروههای خلق و پرچم صورت گرفت، در حقیقت اقدامی به منظور از میان بردن نهضت اسلامی بود. در آخرین سالهای سلطنت ظاهرشاه، نهضت اسلامی بسرعت در میان اقشار مختلف ملت در حال گسترش بود. کمونیست ها می دانستند که اگر وضع به همین سان به پیش برود، دیگر هیچ قدرتی قادر نخواهد بود که این نیروی عظیم را مهار کند.

هشت جوزای سال ۱۳۵۸ بود. زندانیان در صحن بلاک دوم زندان پلچرخی برای وضو صف کشیده بودند. ناگهان صدای چکمه های سربازان در فضا طنین انداخت. فریاد رئیس زندان که مسلح به تفنگچهء ماشیندار پیشاپیش سربازان روان بود، بگوش رسید: همه به اطاقهای خود بروید!

زندانیان توجهی به حرف وی نکردند و ناگهان صدای شلیک گلوله بگوش رسید. یک زندانی که مشغول ساختن وضو بود، نقش بر زمین شد. او از ناحیهء پا هدف قرار گرفت تا دیگران بدانند که تهدید جدی است.

سربازان به جان زندانیان افتادند و با کمربند های خویش به لت وکوب زندانیان پرداختند و همه را به اطاقهای شان بردند.

ساعتی گذشت. زندانیان روی بستر های شان نشسته یا خوابیده بودند. چشمها به نقطه های نامعلوم دوخته شده بود. ناگهان دو باره سروصدا بگوش رسید و جمعی از سربازان در حالیکه قوماندان زندان در جلوی همه قرار داشت داخل دهلیز بزرگ بلاک دوم شد. وی سپس به یک افسر همراه خویش دستور داد تا لیست زندانیان را بخواند. صدای افسر مذکور بلند شد: زندانیانی که نام شان خوانده می شود وسایل خود را جمع کنند زیرا مورد عفو حکومت خلقی قرار گرفته اند و امشب رها می شوند.

در لیست که برنگ سرخ نوشته شده بود اسامی ۱۱۷ تن از قافله سالاران نهضت اسلامی درج بود نام های اول دوم سوم وچهارم لیست عبارت بودند از شیرعلی خان ساتک، پوهاند غلام محمد نیازی، سیف الدین نصرتیار، و غلام ربانی عطیش.

سه نفر اخیر ده ماه قبل توسط دژخیمان رژیم کمونیستی به شهادت رسیده بودند و این مسئله را همه می دانستند. نام این سه تن در لیست، پرده از هدف شوم کمونیست ها برداشت وهمه دانستند که لیست مذکور لیست رهائی نیست.

رهبری این قیام را عبدالستار مشهور به مستوفی بعهده گرفت. وی توسط سربازان ارتباطی پیام خود را به سایر برادران رسانید او به همه خبرداد که زمان شهادت نزدیک است و از همه خواست تا مراتب ذیل را در نظر بگیرند:

- همه براداران وضو بگیرند تا شایستهء استقبال از شهادت باشند.
- برادران در هر دهلیز از میان خود یک فرمانده انتخاب کرده و مطابق به دستور وی عمل کنند.
- برادر عبدالهادی (پدر) مسئولیت فرماندهی عمومی را بعهده خواهد داشت.
- برادر نسیم طارق مسلمیار وظیفه دارد تا آخرین پیام نهضت را به برادران ابلاغ نماید.
- برادر عبدالهادی (پدر) وظیفه دارد تا در هرزمانی که مناسب تشخیص دهد فرمان حمله بر دشمن را صادر نماید و برداران مسئولیت شرعی دارند تا از فرمان وی اطاعت نمایند.

پس از اینکه این دستورات بصورت مخفیانه به همه ابلاغ شد، برادران وضو ساختند و لباس پاک پوشیدند. به چشم های خویش سرمه کشیدند. در دهلیز اول شاه ابدال، در دهلیز دوم برادر سلیم مشهور به تورن سلیم، در دهلیز سوم نسیم طارق مسلمیار، در دهلیز چهارم عظیم جان و در دهلیز پنجم عتیق الله به صفت فرمانده انتخاب شدند.

ساعت یازدهء شب بار دیگر قوماندان زندان با افراد تحت فرمانش برگشتند و فرمان خروج زندانیان از سلول ها صادر شد. بکبار دیگر لیست را با افراد تطبیق کردند تا مطمئن شوند که کسی باقی نمانده است. سپس همه به حویلی بلاک دوم منتقل شدند.

برادران همه در یک صف در کنار دیوار ایستادند. حویلی زندان با نورافگن های پر نور روشن شده بود. در برابر آنان افراد مسلح صف کشیده بودند. کمی بعد دستور حرکت صادر شد. وقتی صف زندانیان به مقابل دروازهء بلاک اول رسید، همه را متوقف کردند. در اینجا تعدادی تانک مربوط به قوای زره دار با افراد مسلح در برابر زندانیان صف کشیده بودند.

سال ۱۳۵۸ سال خونین برای مردم افغانستان بود. در همین سال بیش از دوهزار تن از نظامیان مسلمان و متعهد به نهضت اسلامی به اتهام طرح نقشهء قیام علیه رژیم کمونیستی دستگیر و در مدت یک ماه همه به شهادت رسیدند. این قیام به کودتای دگروال عظیم مشهور شد.

قوماندان جنایت پیشهء زندان دستور داد تا چشم ها و دست های زندانیان را ببندند اما برادران به آنان موقع چنین اقدامی را ندادند. عبدالهادی پدر با نعرهء کفر ستیز تکبیر فرمان حمله را صادر کرد و براداران بصورت یک پارچه بر سپاه کفر حمله بردند. عده ای در همان یورش اول هدف گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند و عده ای هم توانستند خود را به دشمن برسانند. در این نبرد پنج تن از برادران توانستند تا تفنگ های دشمن را بدست آورند؛ عبدالهادی پدر، عبدلوهاب خان، سلیم خان، سحرگل و عبدالغفور لالا.

در این نبرد عدهء زیادی از افراد دشمن نیز کشته شدند. سحرگل که از مجاهدین قیام سال ۱۳۵۴ در لغمان بود، با وجود جراحاتیکه برداشته بود خود را به بیرون زندان رسانید اما با کمین دشمن موجه گردید و شهید شد.

برادر عبدالوهاب خان نیز با جراحاتیکه داشت خود را تا به قریهء بتخاک رسانید و از مردم خواهان کمک شد اما ایادی دشمن که در میان مردم محل بودند وی را دستگیر کرده و بدست جلادان کمونیست سپردند. آنها وی را به شهادت رسانیدند. و با شهادت آخرین مجاهد هشتم جوزای زندان پلچرخی، آن معرکه پایان گرفت.

***

کودتای داود برای نهضت اسلامی افغانستان سرآغاز مصیبت های بزرگ بود. این کودتا که به کمک گروههای خلق و پرچم صورت گرفت، در حقیقت اقدامی به منظور از میان بردن نهضت اسلامی بود. در آخرین سالهای سلطنت ظاهرشاه، نهضت اسلامی بسرعت در میان اقشار مختلف ملت در حال گسترش بود. کمونیست ها می دانستند که اگر وضع به همین سان به پیش برود، دیگر هیچ قدرتی قادر نخواهد بود که این نیروی عظیم را مهار کند.

داود اندکی پس از کودتا به دستگیری اعضای نهضت اسلامی افغانستان پرداخت. بین سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷ حدود سه صد نفر از اعضای تحریک اسلامی افغانستان در عقب میله های زندان رژیم داود بسر می بردند.

در سال ۱۳۵۳ انجنیر حبیب الرحمن شخصیت پرتلاش نهضت اسلامی افغانستان در کابل دستگیر و به اتهام توطئه برای براندازی رژیم محکوم به اعدام شد. او به شهادت رسید اما اعضای تحریک اسلامی که می دانستند کمونیست ها از داود بعنوان یک وسیله استفاده می کنند و سرانجام با سرنگون ساختن وی، افغانستان در سراشیب نابودی سرنگون خواهد شد، برای مقابله با بقدرت رسیدن مستقیم کمونیست ها در سال ۱۳۵۴ در پنجشیر، سرخرود، کنر، بدخشان و پکتیا دست به قیام های مسلحانه زدند.

در سال ۱۳۵۵ جمعی از این شخصیت ها در بیدادگاه رژیم داود محاکمه شدند. از جملهء آنان سه تن به اعدام محکوم گردیدند.

۱- مولوی حبیب الرحمن ۲- داکتر محمد عمر ۳- خواجه محفوظ منصور

محکومین به حبس ابد عبارت بودند از: ۱- پوهاند غلام محمد نیازی ۲- انجنیر سیف الدین نصرتیار ۳- عبدالستار مستوفی ۴- شاه ابدال ۵- نسیم طارق مسلمیار ۵- انجنیر شفیق ۶- انجنیر عبدالعالم ۷- انجنیر عیق الله ۸- شیرعلی ساتک ۹- عبدالعظیم ۱۰- عبدالحمید ۱۱- سحرگل (زلمی) ۱۲- مولوی عبدالرشید ۱۳- داکتر ولی جان ۱۴- نادر خان بدخشی ۱۵- عبدالقیوم ۱۶- عبدالغفور لالا.

در دوران کودتای کمونیست ها صد ها تن از مبارزان نهضت اسلامی افغانستان که در زمان داود دستگیر گردیده بودند، در زندان بسر می بردند که فقط تعداد اندکی آزاد شدند اما جمع کثیری از آنان به شهادت رسیدند. لیست زیر مکمل نیست اما نویسنده در حد توان تلاش نمود تا نامهای اکثر برداران صدر نهضت فراموش نشود. در میان آنان شهدای هشت جوزا و چهاردهم جوزا را هم می توان یافت.

۱- مولوی حبیب الرحمن ۲- استاد غلام محمد نیازی ۳- داکتر محمد عمر۴-انجنیر سیف الدین نصرتیار۵-خواجه محفوظ منصور۶- غلام ربانی عطیش۷- سید عبدالرحمن۸- استاد غلام حبیب۹- استاد عبدالقادر توانا۱۰- سید عمر ۱۱- انجنیر محمد عمر ۱۲- انجنیر محمد زمان ۱۳- سید احمد ۱۴- استاد عبدالحبیب ۱۵- استاد محمد ابراهیم (همیم) ۱۶- استاد سربلند ۱۷- سید خلیل آقا ۱۸- انجنیر عبدالصبور ۱۹- انجنیر غلام نبی ۲۰- غلام حضرت منیب ۲۱-احمد شاه ۲۲- محمد شاه ۲۳- قاضی محمد عمر ۲۴- استاد محمد آصف ۲۵- محمد نسیم طارق مسلمیار۲۶- شیرعلی ساتک ۲۷- ضیاء الدین پیلوت ۲۸- عبدالوهاب خان ۲۹- صادق خان ۳۰- عبدالواحد خان ۳۱- قاضی نجیب الله ۳۲- داکتر عبدالشکور ۳۳- شاه ابدال ۳۴ انجنیر شفیق ۳۵- انجنیر عتیق الله ۳۶- داکتر ولی جان ۳۷- عبدالحمید ۳۸- محمد نسیم بهار ۳۹- عبدالرسول سیاف ۴۰- عبدالعظیم ۴۱- عبدالقیوم ۴۲- غلام سخی واثق ۴۳- قاری معصوم ۴۴- مولوی امیر محمد ۴۵- مولوی غلام حضرت ۴۶- مولوی عبدالرشید ۴۷- مولوی حمیدالله (صاحب حق) ۴۸- مولوی محمد نسیم عابد (پسر مولوی محمد یونس خالص) ۴۹- مولوی عبدالغفور(پروانی) ۵۰- مولوی محمد صادق ۵۱- مولوی عزیزالرحمن ۵۲- داکتر شمس الحق ۵۳- طاهرخان ۵۴- عظیم الله ۵۵- قاری اعظم ۵۶- شاهجهان ۵۷- انجنیر وزیرمحمد ۵۸- انجنیر عبدالحی ۵۹- انجنیر عبدالرزاق ۶۰- معلم محمد امین ۶۱- محمد خطاب ۶۲- نادر خان ۶۳- استاد نذیرخان ۶۴- محمود شاه ۶۵- حامد شاه ۶۶- سید باز ۶۷- محمد طاهر ۶۸- استاد فضل الربی ۶۹- عبدالعظیم ۷۰- اصغر محمد ۷۱- مهدی خان ۷۲- نادر بدخشی ۷۳- محمد نسیم ۷۴- داکتر شاه ولی ۷۵- انجنیر عبدالعالم ۷۵- سلیم خان ۷۶- آقا محمد عایل ۷۷- سید اسماعیل پاسخ هاشمی ۷۸- اختر محمد سلیمانخیل ۷۹- عبدالستار ۸۰- سحر گل (زلمی) ۸۱- عبدالغفور لالا۸۲- طاووس خان ۸۳- نورخطاب ۸۴- عبدالحق ۸۵- گل رحمن ۸۶- فضل الرحمن ۸۷- عبدالاحد ۸۸- نورالحق ۸۹- استاد سید احمد ۹۰- سید محمد قاسم ۹۱- محمد الله ۹۲- حاجی سمیع الله ۹۳- حاجی عبدالغفار ۹۴- عبدالرحمن الینگاری ۹۵- محمد طاهر میدانی وال ۹۶- عبدالطیب ۹۷- استاد گل محمد وردگ ۹۸- تورن عبدالهادی مشهور به (پدر) ۹۹- مولوی عبدالهادی ۱۰۰- سهیل منگل ۱۰۱- استاد ملنگ ۱۰۲- مولوی دوست محمد ۱۰۳- محمد اسماعیل ورسجی ۱۰۴- سراج الدین (مشهور به مدیر صلاح الدین) ۱۰۵- غلام فاروق ۱۰۶- محمد آصف ۱۰۷- عبدالرب (ارغندیوال) ۱۰۸- گل محمد پیلو... ۱۰۹- محمد یوسف ۱۱۰- لومر... بریدمن محمد حکیم ۱۱۱- سید خلیل۱۱۲- لومری بریدمن زلمی خان ۱۱۳- غلام فاروق ۱۱۴- محمد آصف ۱۱۵- صحبت خان سرمعلم ۱۱۶- رسول جان ۱۱۷- مولانا جمعه خان ۱۱۸- مولانا فیضانی ۱۱۹- سید ابراهیم ۱۲۰- سید جمال ۱۲۱ نجیب الله ۱۲۲- میرآقا ۱۲۳- انجنیر معراج الدین ۱۲۴- حبیب الله مطیع ۱۲۵- انجنیر مقیم ۱۲۶- عجب خان ظفری ۱۲۷- سید نورالله عماد ۱۲۸- محمد کاظم شارقی۱۲۹- مولوی سلطان جان۱۳۰- داکتر کریم ۱۳۱- داکتر لطیف و بسیاری دیگر.

به تاریخ ۱۴ جوزای سال ۱۳۵۷ بار دیگر در هنگام انتقال برادارن برای اعدام، آنها مقاومت کردند. قوماندان محبس سید عبدالله بدست یکی از سپاهیان جان برکف نهضت اسلامی بنام سیداکبر به ضرب چاقو بشدت مجروح شد. در این برخورد ۴۵ تن از برادران مجاهد نهضت اسلامی جام شهادت نوشیدند. نام گرامی جمعی از آنان قرار ذیل است: ۱- سید اکبر۲- انجنیر عبدالرزاق ۳- استاد محمد ظاهر محمدی ۴- انجنیر محمد عمر ۵- طاووس خان ۶- اختر محمد ... سلیمانخیل ۷- سید محمد اسماعیل پاسخ هاشمی ۷- ... عبدالحی ۸- حجت الاسلام ... ۹- مولوی عزیزالرحمن ۱۰- ... امدشاه ۱۱- خاکسار ۱۲- انجنیر ... ۱۳- محمد صدیق.

سال ۱۳۵۸ سال خونین مردم افغانستان بود. در همین سال بیش از دوهزار تن از نظامیان مسلمان و متعهد به نهضت اسلامی به اتهام طرح نقشهء قیام علیه رژیم کمونیستی دستگیر و در مدت یک ماه همه به شهادت رسیدند. این قیام به کودتای دگروال عظیم مشهور شد.

یاد همه شهیدان نهضت اسلامی افغانستان گرامی باد.

کمیسیون اجرائی ملی

همان شاه غیرمسؤول، هدایت فرما و نافذ الامر

احمد فواد

اشاره: دراین روز ها سخن داغ وعنوان جالب توجه، دررسانه های نوشتاری و دیداری همان "کمیسیون اجرائی ملی" است که تاروپود آن در آن سوی بحار رشته وتافته شده ودرصدد بافت وعرضه آن دربازار سیاست کشوربحران زده ما ازطریق مجریان برنامه سیاست سازان فراسوی قاره ما می باشند.

دراین نوشتارکوتاه وفشرده به ابعاد نسبتاً ناگفته این کمیسیون پرداخته می شود که ازطریق برخی رسانه ها نکات عمده آن به نشررسیده که اگرافتخارتوافق رئیس جمهوررا کسب کند ، درآن صورت شاید همه چیزی درافغانستان زیرسوال قرارگیرد.

قرارگرفتن این کمیسیون درراس اموراجرائی به نمایندگی ازرئیس جمهوردرواقعیت امرچلیپا کشیدن برنظام سیاسی افغانستان است که مطابق تصریحات قانون اساسی، نظامی است ریاستی که همین طراحان برنامه ایجاد کمیسیون اجرائی درحال حاضر در گذشته، نظام ریاستی را برنمایندگان مردم تحمیل نموده بودند

رئیس این کمیسیون با اشتراک درکابینه افغانستان وبرخورداریی ازامتیازات یک عضو کابینه، آیا دربرابر یکی ازنهادهای مؤلفه حکومت مسوولیت دارد. ویا این که صلاحیت انتخابات افراد شائیسته را برای مسوولیت های حکومتی وعزل وتبدیلی آنها دارد اما دربربرکسی مسوول نمی باشد؟؟

آگاهان عرصه حقوق می دانند که دربرابرهرصلاحیتی، مسؤولیت غرض اندام می کند.

ازجانب دیگر این رئیس کمیسیون اجرائی که درنقش عضو کابینه و برخوردار از امتیاز آن کار می کند، چرا به سان سایراعضای کابینه از شوری رأی اعتماد نگیرد و در برابر آن مسؤولیت نداشته باشد؟

حرف دیگر این که رئیس این کمیسیون اجرایی تابعیت امریکایی خود را ترک می گوید و یا برخلاف تصریحات قانون اساسی بدون ترک تابعیت خود، کارها را در نقش یک وزیر دارای فلان کشور انجام می دهد، پاسخ



راه اندازی چنین برنامه به بحران های حاکم شدت بخشیده واعتماد ملی را روزتا روز کمرنگ می کند وزندگی مردم باید مدت ها عرصه تطبیق برنامه های قدرت های باشد که برای تأمین منافع خویش آن ها را سربراه ساخته اند

همه پرسش های بالا این خواهد بود که در ریاست این کمیسیون شخصی است غیرمسؤول و هدایت فرما و نافذ الامر.

گفته های بالا از یک سو از سوی دیگر سیاست سازان بیرونی این کشور بعد از تجربه سیاست های ناکام خویش در افغانستان دارند واردمرحله نوی از تطبیق برنامه های خویش شوند. تا برعم خود از این طریق کلیم فساد اداری حاکم را در هم بپیچند و صفحه نوی را بازی و تجربه جدیدی را به کار بندند و عناصری را در نظام جا به سازند که البته با راه اندازی چنین برنامهٔ، رئیس جمهور منتخب مردم به حاشیه رانده شده و فعال ما یشاء وکارگردان عمومی کسی خواهد بود که با برخورداری از همه قدرت ها و امتیازات، مسؤولیتی به عهده ندارد.

نکته دیگر نهفته دراین بازی این است که به گونه های مختلف تلاش به خرچ داده می شود تا به مردم ذهنیت داده شود که کسانی می توانندد در تعیین سرنوشت مردم قرارگیرند ویا به تعبیردیگر، محور قوی در برابر آقای کرزی باشند که هویت ملی شان مورد سوال است؟

پرسش اساسی این است که با طرح این برنامه ها دامن بحران حاکم جمع خواهد شد و اعتماد ملی را جلب خواهد کرد، سوال های که پاسخ آن ها را تحولات بعدی خواهد داد.

حرف اساسی حالا این است که آیا رئیس جمهور درپای این مسوده ترتیب شده امضا خواهد کرد و استقلالیت کار خود را در پیشبرد صلاحیت هایش در قانون اساسی مورد سوال قرار خواهد داد.

ویا این که برغروراستقلالیت ملی خود پافشاری کرده ودرتفاهم با محورهای ملی گامی برخواهد داشت که حیثیت کشورش را پاس می دارد.

آقای کرزی درآزمون بزرگی قرارگرفته که یکی ازاین دوراه را باید برگزیند.

۱- فرمانروای شاگردنقش توشیح وامضا پیشنهادها و بس.

۲- رئیس جمهوربرخوردار ازصلاحیت های داده شده درقانون اساسی که درروشنای قانون کارخودرا پیش برد

نکته اخیرکه باید درین بازی بزرگ برآن اشاره کرد این است که راه اندازی چنین برنامه به بحران های حاکم شدت بخشیده واعتماد ملی را روزتا روز کمرنگ می کند وزندگی مردم باید مدت ها عرصه تطبیق برنامه های قدرت های باشد که برای تأمین منافع خویش آن ها را سربراه ساخته اند.

دپاکستاني پوځ لخوا له سوات...

په سیمه کې دځلیرویشتو ساعتونو لپاره په اعلان شوي کرفیو (دتګ راتګ بندیدي) کې دنرمۍ راوستلو غوښتنه کوي ترڅو په سیمه کې موجود خلک خپلې اړتیاوي پوره کړي او یا له سیمې څخه ووځي، ځکه په نیویارک کې د بشرحقوقو نړیوال سازمان دفتر وایي چې د روانو بمباریو اوجګړولامله دوه نیم میلیونه انسانان دخپلو ځایونو پریښودلو ته اړ شوي تراوسه هم پدې سیمه کې دوه لکه انسانان بند پاتي دي چې له ستربشري ناورین سره مخ دي.

دسوات په سیمه کې دجګړه نږدې پای ته رسیدلو سره په وزیرستان کې دطالب اوړپکو مشربیت الله محسود او دهغه پلویان ګوابښیدل چې د سوات طالبانو مرستې ته به ودانګي او په هکله ځینې تحرکات هم لیدل کیدل او ورسره سم یو تن سیمه ایزمشردپاکستاني چارواکو سره پدې منظور لیدنې کړې وې چې دحکومت او په وزیرستان کې د دولت مخالفو اوړپکو اوطالبانو ترمینځه دسولې هڅې وکړي چې د زرداري سره د نوموړي مشر دلیدنې په مهال ورته ښه ځواب نه ؤ ورکړای شوی او ددې هوډ څرګندونه شوې وه چې دپاکستان حکومت دټولو دولت مخالفو وسله والو تنظیمونو پرخلاف دجګړې اراده لري چې دځینو شنونکو له نظره له دغې سیمې څخه دخلکو د وتلو تحرکات هم خوندي ځایونو ته دځانونو رسولو په هدف تعبیریده پداسې حال کې چې مخالفو طالبانوبیا دسوات طالبانو سره دمرستې لپاره دتګ په هدف ترغیبول، له دغې

پاکستان حکومت غواړي له دې لار څخه دنړیوالو مرستو او امریکي څخه دمرستو لاس راوړلو هڅه وکړي په کوم کارکې چې دغه هیواد پخه تجربه لري او له زیاتو څخه دمرستود راوړلو لپاره دخپل ولس له کړمو اوستونزو سره په مخ کولو او دبې ګناه خلکو په وژلو هم اړندي.

لړۍ دآغازسره سم د سه شنبې په ورځ سهار وختي پاکستاني امنیتي ځواکونو دجټ طیارو او نظامي هلیکوپټرو په مرسته په جنوبي وزیرستان باندې ورته جګړه پیل کړه چې پدغه سیمه کې دځمکنې اوسروکۍ؟ په منظور یې جګړه آغازکړې او دمخالفو طالبانو له لورې دځلوروتنو د وژل کیدو او دولسونورو د ټپي کیدو ادعا یې کړیده. خو ورسره سم له شپیتوزرو څخه زیاتو خلکو د ډېره اسماعیل په لورې کډه اخستل پیل کړیدي او ښایي له سیمې څخه دوتونکو شمیره دجګړې له دوام سر نوره هم زیاته شي او دمتقاعد جنرال محمودشاه دڅرګندونو له مخې پاکستاني دولت هوډ کړی چې ټول وسله وال تنظیمونه به له مینځه وړي. پداسې حال کې چې دپاکستاني دولت لخوا د مخالفووسله والو پرخلاف رواني جګړې دسیمې خلکه له یو ستر ناورین سره مخ کړیدي د پاکستان په مختلفو ښارونوکې دیوشمیر ګوندونو لخوا چې دپاکستان جماعت اسلامي یکې غټه ویده لري یوشمیر اعتراضیه مظاهري اولاریونونه تر سره کړي اودپاکستان حکومت یې پدې تورن کړي چې پاکستاني چارواکي دطالبانو پرخلاف نه، بلکې دټول ولس پرخلاف جګړه پیل کړي چې ډیربد عواقب به ولري. دیادونې وړده چې دپاکستاني دولت لخوا دجګړې دآغازهوډ دڅرګندولو په مهال هم په وزیرستان کې دمیشتو دولت مخالفو طالبانو یوتن ویاند داګواښ هم کړی وو چې طالبان به په اسلام آباد باندې دجګړې دآغازپه صورت کې ځوابې حملې وکړي.

داچې پاکستاني امنیتي ځواکونو او په ځانګړې توګه ددغه هیواد اردو ولې دغه جګړه پرمخ بیایي په اړه یې مختلفې شتنې کیږي چې دډیرونظره پاکستان حکومت غواړي له دې لار څخه دنړیوالو مرستو او امریکي څخه دمرستو لاس راوړلو هڅه وکړي په کوم کارکې چې دغه هیواد پخه تجربه لري او له زیاتو څخه دمرستود راوړلو لپاره دخپل ولس له کړمو اوستونزو سره په مخ کولو او دبې ګناه خلکو په وژلو هم اړندي.

همدارنګه ښایي دپاکستاني امنیتي ځواکونه چې ددغه هیواد داستخباراتي سازمان ISI په ولقه کې دي د دې لپاره دغه جګړه پرمخ بیایي څونړیوالو ته جوته کړي چې دملکي حکومت د راتګ سره هم امنیتي وضع پدغه هیوادکې نه ښه کیږي او دآصف زرداري حکومت دمشرف له حکومت څخه ه ناوړه او ناکام دي څوپدې ترتیب نړیوال ذهنونه یوځل بیا پدغه هیوادکې نظامي رژیم راتګ ته آماده کړي او داچې د دغه هیواد په تاریخ کې د نظامي حکومتونه له باربار راتګ څخه د خلکوکومه کرکه پیداشوي هغه کرکه دملکي حکومتونو څخه په کرکې بدله کړي چې د زرداري ضعیفه حکومت ددغه موخې لپاره مثال وګرځوي، خو د دې سره سم دپاکستان سترې محکمې د دغه هیواد که پخواني صدراعظم نوازشریف څخه هغه بندیز پورته کړ چې له مخې یې نوموړي په ټاکنو کې ځان نشوکاندیدولای او دغه اهلیت یې ورڅخه سلب کړي وو چې دسترې محکمې دغه عمل پداسې وخت کې د زرداري اونوازترمینځه د موجود اختلافونو په پورته کولوکې موثر رول لوبولي شي ځکه پدې سره نوازشریف که د زرداري حکومت خپله موده پوره کړي د ۲۰۱۳ کال په ټاکنو کې برخه اختلاس شي، اوښایي داکار دقضائیه ارګان له سیاسي جهتونو سره دپوځ پرخلاف دګدو ګتو دخوندي کولو او نظامي رژیم دراتګ پرخلاف یو مهم قوم وي د کوم کارلپاره چې ISI او پاکستاني پوځ او به خروي او ماهیان یکي نیسي.

خودلته یوي خبرې ته هم اشاره کول یکار دي چې د روانو جګړوامتداد له یوې ورځې څخه بلې ته په دغه هیواد کې پرتو افغاني مهاجرینو ته هم ګواښونه زیانوي چې د پاکستان حکومت په عملي توګه زمونږ مهاجرو افغاني ورونو پرخلاف سخت دریځ غوره کړي او دهغوی تنګول یې له یوې مودې راهیسې پیل کړي چې دهغې ثبوت دآزادي راديوته د لسګونو افغانانو تیلفونونه و چې هریوېې له پاکستاني حکومت څخه سرټکولو.

حجاب یا لباس اسلامی

نویسنده: داکتر عبدالکریم ذاکر نایک
برگردان: محمدمصدق فقیری

یکی از سوالاتی که از جانب غیرمسلمانان مطرح می گردد، مساله حجاب است. دیدگاه اسلام در مورد زنان اکثرا از جانب مطبوعات سکولار مورد هدف قرار دارد و حجاب یا لباس اسلامی حاکمیت مرد بر زن اعلام می شود.

قبل از این که به دیدگاه اسلام در مورد حجاب بپردازیم، لازم است تا اشاره مختصری به مقام زن در جوامع مختلف قبلی داشته باشیم.

۱- در گذشته ها زن پست شمرده می شد و فقط وسیله شهوت رانی بود.

در قانون بابلیان، زن ها پست وخوار بودند و هیچ گونی حقوقی نداشتند. حتی اگر مردی، زنی را می کشت بجای قاتل خانمش کشته می شد.

تمدن یونان با شکوه ترین و بزرگترین تمدن ها محسوب می شود زن ها هیچ گونه حقوقی نداشتد و درعلم اسطوره شناسی (mythology) عامل و ریشه اصلی بدبختی بشریت وجود زن خیالی (Pandora) پنداشته می شود.

در یونان مردم زن ها را برده مردها تصور می کردند و فحشاء یک امر کاملا عادی تلقی می شد.

دراوج جلال و شکوه تمدن روم یک مرد حتی می توانست زنان را بکشد بدون این که محاکمه شود. دراین تمدن نیز فحشاء یک امرعادی بود.

در مصر نیز زن موجود پست و پلید تلقی می شد.

قبل از ظهوراسلام، در جهان عرب به زنان به عنوان موجوداتی پست نگریسته می شد و تعداد زیاد دخترانی که به دنیا می آمدند نیز زنده به گور می شدند.

۲- اسلام برای زنان ارزش و حقوق برابر با مردان داد

۱۴۰۰ سال قبل اسلام، برای زنان مقام والای قایل و به آن ها برابری نصیب کرد.

حجاب برای مردها

همیشه وقتی حجاب ذکر می شود، ذهن مردم متوجه خانم ها می گردد. در حالی که در قرآن کریم قبل از اینکه به حجاب زنان اشاره شود، حجاب مردان تذکر داده شده است.

در سوره نورآیه مبارکه ۳۰ خداوند می فرماید:

"زمانی که با نگاه کردن به زن تصوری در ذهن تان خطور می کند باید نگاهتان را پائین کنید"

حجاب برای زنان

۳- شش معیار برای حجاب

در قرآن و سنت ۶ اصل برای حجاب تعیین شده است

۱- حدود پوشش اولین اصل حجاب است باید قسمتی از بدن پوشش داشته باشد، این مسأله در میان مرد و زن متفاوت است.



حجاب برای مردها پوشاندن بدن از ناف تا زانو است اما برای زن تمام بدن بجز صورت و دست ها، عورت است. ولی اگر بخواهند می توانند که این اندام ها را نیز بپوشاند. پنج اصل دیگر حجاب میان مردان و زنان یکسان است.

۲- لباس آزاد باشد تا برجستگی های بدن را آشکار نسازد.

۳- لباس نازک نباشد و اندام زن دیده نشود.

۴- لباس نباید آنقدر جالب باشد که جنس مقابل را تحریک نماید.

۵- لباس نباید همانند لباس های جنس مخالف باشد.

۶- لباس های نباید علایم ادیان دیگر را داشته باشد.

۴- حجاب رفتار و سلوک:

در کنار این که حجاب، باید ۶ اصل بالا را داشته باشد بایدزن در رفتار، کردار، خویش اصول دین را مراعات کند..

حجاب پوشش باید همراه با حجاب چشم، حجاب قلب و حجاب فکر باشد.

۵- حجاب مانع تجاوز می شود:

دلیل این که حجاب برای زنان لازم بیان شده است در آیهٔ ۵۹ سوره الاحزاب چنین باین شده است: "حجاب برای این لازم شده است که با حیا باشد و از هر گونه گزند در امان بمانند.

۶- مثال خواهران دوقلو:

تصور کنید دوخواهری دوقلو به یک اندازه زیبا باشد ودر سرک راه بروند یکی آن لباس اسلامی داشته باشد و دیگری لباس غربی در آن طرف سرک پسران جوان ایستاده باشند و منتظرکه دختران را آزار دهند. چه فکر می کنید؟ آنها کدام یک از این خواهران را اذیت خواهند کرد؟

دختری که حجاب اسلامی دارد یا دختری که لباس غربی؟

طبیعی است که آنها دختری را که لباس های غربی دارد اذیت خواهند نمود.

لباس ها خود به طور غیر مستقیم دعوت دهندهٔ مردم به آزار و اذیت این گونه افراد است. پس قرآن کریم به درستی فرموده است که حجاب مانع تجاوز است.

۷- اشد مجازات برای متجاوز:

شریعت اسلامی برای متجاوز اشد مجازات را تعیین کرده است. شاید بسیاری از مردم این جزا را شدید بخوانند و اسلام را دین ظالم و وحشی بپندارند، اما من از صدها غیر مسلمان این سؤال ساده را پرسیدم که تصور کنید، خدای نخواسته کسی بالای خانم، خواهر یا مادر شما تجاوز کند و شما قاضی محکمه باشید و متجاوز را پیش شما بیاورند، شما چه سزایی به وی خواهید داد؟

تمامی آنها جواب دادند که ما آن شخص را خواهیم کشت. حتی بعضی گفتند که او را آنقدر شکنجه خواهند کرد تا بمیرد. دوباره پرسیدم اگر شخصی بالای خانم، خواهر و یا مادر شما تجاوز کند او را خواهید کشت اما اگر همین کار بالای خانم، خواهر و یا مادر کسی انجام شود اشد مجازات برای متجاوز، افراط و وحشی گری است؟

چرا باید دو معیار وجود داشته باشد؟

۸- جوامع غربی به اشتباه ادعا می کند که زنان را جایگاه والایی بخشیده اند.

ادعا های جوامع غربی مبنی بر آزادی زنان چیزی جز بهره برداری جنسی، تنزیل روحی و محرومیت آنها نیست. در چنین جوامعی زنان به عنوان ابزارهای جنسی در دست مردمان جاه طلب و خودخواه در عقب صفحهٔ رنگین هنر و فرهنگ قرار دارند.

۹- امریکا بیشترین آمار تجاوز جنسی را دارد

ایالات متحدهٔ امریکا به عنوان پیشرفته ترین کشور دنیا حائز بیشترین آمار تجاوز جنسی می باشد. بر اساس گزارش های اف - بی - آی در سال ۱۹۹۰ هر روز به طور میانگین ۱۷۵۶ تجاوز جنسی تنها در کشور امریکا صورت گرفته است. طبق گزارش دیگری روزانه به طور میانگین ۱۹۰۰ تجاوز جنسی روزانه در این کشور صورت می گیرد.

فرض کنید اگر حجاب اسلامی در امریکا تطبیق شود و هر جایی که مردی زنی را می بیند و خیال و تصوری برایش به وجود می آید نگاهش را پایین اندازد و تمام زنان حجاب اسلامی که پوشش تمام بدن به جز صورت و دست تا بند دست است را رعایت نمایند و بعد از این اگر تجاوزی صورت می گیرد به شخص متجاوز اشد مجازات داده شود آیا آمار تجاوز در امریکا افزایش می یابد ویا کاهش؟

۱۰ – تطبیق شریعت اسلامی آمار تجاوز را کاهش می دهد

به طور طبیعی اگر شریعت اسلامی کاملاً تطبیق شود نتایج مثبتی رونما خواهد شد.

اگر شریعت اسلامی در هر گوشه یی از جهان خواه امریکا باشد یا اروپا، جامعه نفس راحتتری خواهد کشید. حجاب از خفت و پستی زن جلوگیری می کند و از وی حمایت می کند.

وضعیت کودکان کشور ...

کودکان به ویژه در روستاها و دور دست های کشور از امکانات آموزش، تفریحی، تندرستی و ورزش سالم محروم اند، خیلی از آنها به اثر فشار فقر و تنگدستی خانواده های شان به کار اجباری و شاقه مشغول اند.

به علت عقب مانده گی وسطح پایین سواد به نیازهای روحی وروانی کودکان اعتنا وتوجه نمی شود و بسا از اطفال در سنین آغازین حیات از لحاظ سایکولوزی دچار ضربهٔ روحی و عقدهٔ روانی می گردند. بدتر از این مصایب بلای ربودن اطفال به حیث یک نگرانی وحشت آور، خانواده ها و اولیای کودکان را شدیداً ناراحت ساخته است. از وظایف دولت، نهادهای آموزش و پرورش و خانواده هاست تا اطفال را مطابق نیاز عصر رشد و پرورش دهند و ازهمه نعمت های خدا داد بهره مند گردند، تا به حیث جوانان سالم و مفید برای جامعه گردند.

هرچند مؤسسات خیریه کارهای را درجلب کمک به اطفال کشور انجام داده اند اما به هیچ وجه نمی تواند، نیاز سراسری اطفال کشور را برآورده سازد. دولت باید در محدودهٔ وظایف وصلاحیت های خود باید مطابق قانون اساسی کنوانسیون های بین المللی و روحیهٔ حقوق بشر به حق کودکان توجه نماید. پیامبربزرگ اسلام فرموده است: هرکه بزرگان را مارا احترام نکند وکودکان مارنوازش ننماید ازمانیست،کمک به اطفال وکودکان یکی ازتوصیه های دین مبین اسلام است وبه وسیله این اطفال درخت نیرومند جامعه شکل می گردد.

جرقه یی "ازشراردرد تاخشم ایمان"...

چنان تباهی یی که تا امروزازاثر جنایات وفجایع تنگین آن، مرغ رفاه وآرامی وشادکامی ازقفس دلها پریده است.

به قسمت های ازاین شعر-که درقالت شعرجدید انشاء گشته- توجه فرمایید:

ای کودتای شوم
این دیونابکار
هرنقش پای تو
صدحفره درجهنم سوزان وحشت است
صدلانه اجل
صددام نیستی
صد راه سوی محبس ننگ واسارت است.

به گونه یی که شاعردرد مند وبا احساس ما پیش بین شده بود، به دنبال بال وپرکشیدن این جغد لعنتی، درشامگاه خونین دیارما، صدها هزارجغد شرربال – ازنسل آتش- پرگشودند که نه تنها به ربودن صد هزاربلبل هستی ازگلشن وطن منجرنگشت، بلکه هرپنجه خونین او که توسط وی در دل این خاک حفرشده بود، صد چشمه سار و جویبارخون ، به هرجانب کشانده شد وصدها قلب گرم ازنفس او به سردی گرائید وهزارها مرغ روح ازآشیان تن آدمی پرید.

به ادامه شعرتوجه کنیم:

زان روز تاکنون
ای جغد لعنتی
آوازتوترانهٔ خونبارماتم است
اعلان جنگ ضد همه نسل آدم است.
ای کودتای شوم
ای روح بی نقاب کمونزم حیله گر
ای سیمای قتل وترور ودرندگی
شد سالها به پرده تو می شود عیان
لینین به شکل خویش
ستالین به شکل خویش
انگلس ومارکس دشمن آزادی بشر
القصه هریکی زشیاطین به شکل خویش
هریک شود عیان
همچو درنده یی
با صد هزارپنجه خونریز وجان ستان
با صد هزارچشم شرر ریززهرپاش
هرپنجه کرده چاک
قلب هزارهاتن ازابنای آدمی
افشرده درکفش
خون هزارها جگرپاره پاره را
هرچشم تافکنده نگاهی نموده آب
یک نسل را تمام
برچشم ملتی
بنموده خواب وراحت وآرام را حرام
آری به پرده توشود هریکی عیان
با چهره حقیقی خود همچو اژدری
باصد هزارنیش
هرنیش را بود
زهری که بهرکشتن دنیا بسنده است.
هرجرعه اش تلاطم امواج بحرمرگ
کزبهرغرق کشتی عمرجهانیان
یکجا بسنده است.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است. قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دهم ۹ جوزا ۱۳۸۸-۵جمادالثانی۱۴۳۰ - 30 May 2009

وضعیت کودکان کشور قابل نگرانی است

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل



نوباوگان امروز کشور، مردان فردای این سرزمین اند، هر قدرکودکان افغانستان از توانمندی بزرگ فرهنگی و اخلاقی و معنوی برخوردارگردند، به همان اندازه ما آیندهٔ نیرومند خواهیم داشت. اما متأسفانه ما تا کنون به چنین موفقیتی دست نیافته ایم و مشکلات فروانی در برابر کودکان ما قرار دارد.

بیشترین مصائب جنگ بحرانها و فروپاشی شیرازهٔ خانواده ها را اطفال به دوش می کشند. در رهروهای شهرکابل و شهرهای بزرگ افغانستان، چشمان خیره و نیازمند کودکان، ضمیر و وجدان هر رهگذر را به سوی خود می کشاند.

تعدادی از اطفال در معرض خطر جدی قرار دارند و برای فردای آنها هیچ گونه ضمانتی وجود ندارد که روزی این اطفال به قاچاقبران بزرگ مواد مخدر، دزدان قرارنگیرند و مخالفان دولت از آنها سربازگیری ننمایند، همانطور که دیگران کاشانهٔ گرم این کودکان را از ایشان گرفته اند و دست جنگ و بی عدالتی، آنها را به چنین سرنوشت دچارساخته است، روزی فرا رسد که این اطفال وکودکان خانواده های زیادی را به چنین سرنوشت که خود، درزندگی تجربه نموده اند مواجه سازند. اگر دست عاطفه و ترحم امروز به سوی آنها دراز نشود این اطفال باکوله باری از کینه توزی و عقده های حقارت که در خود تجربه می نمایند، روزی این سرزمین را آماج، کینه های خود سازند. هرچند، در فرمان ریاست جمهوری تکدی جرم پنداشته شده و به ارگان های مسؤول منجمله، جمعیت عالی سره میاشت و وزارت کار و امور اجتماعی وظیفه سپرده شده است. تا اطفال کمتر از سن ۱۸ را که دست به تکدی می زنند به مرکز تجمع و اصلاح اجتماعی جمع آوری نموده و بعد از یک ارزیابی به برخی آنها زمینه آموزش و پرورش فراهم گردد. اما نمی شود ما دام العمر تعدادی را در آسایشگاه های دولتی نگهداشت، بلکه این کار ایجاب بودجهٔ کلان ملی و مسؤولیت دولتی را می نماید و ایجاب می کند که کمک های جامعه جهانی دراین خصوص جلب گردد. ادامه درص۷

یک رئیس جمهور از شرم سوء استفاده از قدرت خود کشی می کند!

هفته گذشته جنازه آقای روموهیون رئیس جمهوریشن کوریایی جنوبی دریک کوه نزدیک به خانه اش کشف گردید، ازهمان آغاز حادثه گزارش های مبنی برخودکشی وی دررسانه ها به نشررسید، بالاخره خانواده رئیس رئیس جمهوریشین کوریا نوشته را درکمپیوتریافتند که تردیدها را برطرف ساخت وثابت شد که وی دست به خود کشی زده است. دراین نوشته روموهیون بصورت مختصرنوشته بوده است که همه اورا گنهگارمیدانند ، او نمی تواند باراین شرمندگی را بدوش بکشد، او می رود تا نزدیکانش را راحت کند. دیگرزندگی ومرگ برای اوفرق نمی کند.

آن چنانکه گزارش شده، رئیس جمهورکوریا متهم بوده است که درزمان قدرتش یکی ازاعضای خانواده او، شاید خانمش، ازیک سرمایه داررشوت گرفته است.

رئیس جمهویشین کوریا دیگرتحمل این رسوا را نداشته وروزی که می خواستند به اتهام سوء استفاده ازقدرت اورا به دادگاه احضارکنند، صبحگا هان به کوه نزدیک خانه اش رفته وخود را ازصخره به زیرافگنده ومرده است.

وقتی خود کشی رئیس جمهورکوریا برای نجات ازشرمندگی یک کارخلاف قانون وضعیت زمامداران درکشورخویش مقایسه کنیم تفاوت فاحشی را می توانیم ببینیم.

آنجا یک سیاستمدار ویک رئیس جمهور، هنگام گرفتن زمام امورسوگند خورده است که دست به کارخلاف قانون وسوء استفاده ازقدرت نمی زند، اما وقتی می بینند که یکی ازاعضای خانواده اش با استفاده ازقدرت وی مرتکب یک کارخلاف شده، با آن که قبلاً ازمردمش عذرخواسته است اما دیگرتحمل این شرمندگی را درخود نمی بیند ومی گوید دیگر مرگ وزندگی برایش فرقی نمی کند وعملاً هم نشان می دهد که فرقی نمی کند وخود را ازفراز کوه به زیر می اندازد.

اما درکشورما چطور؟ آیا چنین احساسی درمیان سیاستمداران وزمام داران وجود دارد؟ متاسفانه چنین احساسی وجود ندارد.

دراین جا دربرابرکارخلاف قانون، سوء استفاده ازقدرت ،نقض قانون اساسی ، اختلاس های چند میلیون دالری وبرای هیچ گناهی، هیچ زمامداری احساس شرمی ندارد، خود کشی چه که حتا عرق برپیشانی اش نمی نشیند، اقدام به خود کشی چه که حتا حاضرنیست استعفا دهد ویا ازمردم عذرخواهی کند.

دراین جا برادریک سیاستمداریک شبه ملیارد درمی شود، اما خودش دررسانه ها اعلام می کند که سرمایه اش ازده هزاردالرتجاوزنمی کند وخانه وموترهم ندارد درسیمایش هم شرمی دیده نمی شود

زمامداران ما چه وقت به آن احساس ایمانی دست پیدا می کنند که خداوند را حاضراعمال خویش بدانند وبه خاطر ترس ازبازپرس خداوند دست ازخلاف کاری وضیاع حقوق دیگران بردارند. ویا لا اقل زمامداران، چه وقت می توانند به آن بیداری وجدانی دست پیدا کنند که رئیس جمهورکوریا را واداشت تا ازشرم خلق دست به خود کشی بزنند.

بد رنگه ډرامه

ښوونکو ته دځمکي ویش

څپاند

ولسمشر دغبرګولی دمیاشتی په شپږمه نیټه، ځینی ښوونکو ته داوسیدو اوکور جوړو لپاره دځمکی د ویش سندونه ورکړل!

عجیبه او بد رنګه ډرامه وه! دتلویزیونو له لاري د ولسمشر خبری واوریدل شو او دهغه حرکات ولیدل شو:

"شپږ یا اوه کاله کیږي چي دا وعده ورکړل شوی ده ... خدای خبرچي څه وخت سر ته رسیږی او څوکاله نورهم په برکي نیسي"

"... وزیر صاحب همداسي نه ده؟
... پلاني وزیرصاحب سمه ده؟!

افسوس او ډیر افسوس دافغانستان دخلکو په حال! چه له هغوي سره او دهغوي د معلمینو د روا او قانونی غوښتنو سره، داسي لوبي کیږي ... دا په ځان پوري خندا ده، که په خلکو پوری؟

داتیټ اوپاس خبری او دا دسراو لاس خوځښت دپاړ وګرانو او مداریانو کاردی نه دیوولسمشر! هغه هم د افغانستان دپوهو او زیرکو خلکو!

داچي په تیروشپږو او یا اووکلونو کې داکار عملي شوی نه ده او... نو ملامت څوک دي؟ چاته وایې؟

معنایې داچي یوڅوک په څپیړه ووهل شي او بیا په افسوس سره وویل شي چي اُف اُف ډیر به درد کړی وي!

داځه عجیبه او بد رنګه ډرامه ده او دا دکمپاین کولو بد رنګه طریقه دچاله خوانه طرحه شوي ده؟!

سخنگوی جدید وزارت خارجه به روزنامه نگاران معرفی شد

شب سه شنبه هفته گذشته، وزارت خارجه مدیران رسانه ها را دعوت نموده بود، دراین مراسم که وزیرخارجه داکتراسپنتا شرکت داشت، سخنگوی جدید وزارت خارجه آقای احمدظاهرفقیری را به خبرنگاران معرفی کرد.

وزیرخارجه درسخنان کوتاهی آقای فقیری را یکی ازدیپلومات های توانمند توصیف نمود که می تواند سنخگویی موفق برای وزارت خارجه باشد، آقای فقیری که از تحصیل یافته گان فرانسه است علاوه برزبان های ملی فارسی وپشتو به زبان های فرانسوی وانگلیسی تسلط دارد.

آقای فقیری اظهارامیدواری کرد که بتواند کارسخنگویی وزارت خارجه را به خوبی پیش ببرد و رابطه خوبی با رسانه ها داشته باشد.

دراین مراسم شماری زیادی ازمدیران رسانه های چاپی وتصویری وخبرنگاران شرکت نموده بودند .

فقیری به جای سلطان احمد بهین سخنگوی پیشین وزارت خارجه که اکنون به صفت سفیرافغانستان درچین فرستاده شده تعیین شده است

حمایت نهاد های آموزشی و فرهنگی حزب اقتدار ملی ...

وی افزود: «رای دادن به کرزی رای به هفت سال فساد اداری و رای به هفت سال بی کفایتی است.

وی تاکید کرد: ما به کسی رای می دهیم که در دسترخوان مردم تغییر ایجاد کرده، مردم را از بحران نجات داده و راه کاظمی را ادامه دهد که آن کسی جز داکترعبدالله نخواهد بود.»

این در حالی است که پیش از ظهر امروز، مردم گل دره، طی همایشی د ر کابل حمایت شان را از داکترعبدالله اعلام نمودند.

گفتنی است که در دوهفته ی اخیر بیش از چهار گرد هم آیی بزرگ در حمایت از داکترعبدالله برگزار شد.